

فرخنده باد روز اول ماه مه، روز همبستگی رزمجویانه کارگران و زحمتکشان جهان!



تهران،
اردیبهشت ماه
۱۳۷۹
دهها هزار کارگر
و زحمتکش در
تهران و شهرهای
دیگر ایران بر
ضد سیاست های
ضد کارگری
رژیم راه پیمایی
کردند

نامه
مردم
آرگان مرکزی حزب توده ایران

شماره ۵۸۲، دوره هشتم
سال شانزدهم، ۱۳ اردیبهشت ۱۳۷۹

سردار ارتجاع و استبداد پرده از ابعاد توطئه بر ضد جنبش مردمی بر می دارد

● مشابه دانستن اوضاع امروز با سال شصت، نه به دلیل تشابه شرایط اجتماعی، سیاسی و فرهنگی، بلکه به دلیل نوع برخورد سرکوبگرانه رژیم استبدادی با خواست آزادی و اصلاحات عمیق در جامعه است.

● خامنه ای، برخلاف خمینی سال های نخست انقلاب که از پایگاه وسیع مردمی بهره مند بود، امروز تنها نماینده کلان سرمایه داری تجاری، نیروهای مدافع استبداد، واپس گرایی و تاریک اندیشی است، و مردم بدفدات از جمله در انتخابات دوم خرداد ۱۳۷۶، داوری خود را درباره او و رژیم «ولایت فقیه» اعلام کرده اند.

هاشمی رفسنجانی در نماز جمعه این هفته تهران، از جهات گوناگونی قابل تأمل است. وی در این سخنان، در واقع از رایزنی های نیروهای ارتجاعی و چگونگی تئوریزه شدن یورش به جنبش مردمی در میهن ما پرده بر می دارد، و نیات شوم نیروهای واپس گرا را در اوضاع بشدت بحرانی کنونی روشن می کند. رفسنجانی، ضمن تمجید از سخنان «ولی فقیه» پیرامون یورش به مطبوعات، اوضاع ایران در روزهای اخیر را مشابه سال های ۱۳۵۸ و نیمه ۱۳۶۰ ارزیابی می کند. و عملکرد خامنه ای در روزهای اخیر را، مشابه عملکرد خمینی در آنها سال ها می داند. اشاره رفسنجانی در واقع به حرکت های مرتجعان سران رژیم برای سرکوب انقلاب و به انحراف کشیدن آن از مسیر آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی است. ما در آن دوران هم نیز شاهد یورش ارتجاع و چماق داران حزب الهی و قمه کش بر ضد مطبوعات بودیم. در همان سال ها نیز دانشگاه های کشور مورد تعرض قرار گرفتند و هزاران دانشجوی مبارز و کادرهای برجسته

هاشمی رفسنجانی، سردار ارتجاع و استبداد رژیم «ولایت فقیه»، در سخنانی که در نماز جمعه این هفته تهران بیان کرد، پرده از ابعاد توطئه بر ضد جنبش مردمی برداشت، و با هم صدا دانستن دگراندیشان آزادی خواه با «نیروهای خارجی»، و مشابه دانستن عملکرد آنان با «لیبرال ها، کمونیست ها و منافقین [مجاهدین]»، در سال های نخست انقلاب، جنبش اصلاح طلبی در میهن ما را به سرکوب خونین تهدید کرد. برای مردم میهن ما هاشمی رفسنجانی، رئیس مجمع تشخیص مصلحت رژیم، فرد شناخته نشده بی نیست. رفسنجانی از معدود سران رژیم است که نقش کلیدی و اساسی در فاجعه بی که امروز بر میهن ما می گذرد، بر عهده داشته و همچنان از مهره های اساسی استبداد، ارتجاع و تاریک اندیشی در میهن ما محسوب می شود. رفسنجانی از کسانی است که به اعتراف خودش (در کتاب خاطرات دهه شصت او)، از مدافعان کشتار جمعی دگراندیشان و اعدام های وحشیانه جوانان میهن ما بوده است و در طول هشت سال اداره قوه مجریه کشور، ایران را بیش از پیش دچار فقر، بی عدالتی و ظلم کرده است. سخنان

ادامه در صفحه ۱۰

در صفحه ۳

تأملاتی بر مسایل و معضلات مبارزات
کارگران و زحمتکشان در سالی که
گذشت

در صفحه ۴

نگاهی گذرا به حرکت های اعتراضی
کارگران و زحمتکشان
در سالی که گذشت

در صفحه ۶

حزب توده ایران، سندیکا و
حقوق سندیکایی

در صفحه ۸

چاوداران پاد خاطرۀ پیشی گسرتان و
فعالان جنبش کارگری = سندیکایی
ایران

در صفحه ۹

اعلامیه «کارگران صنوف و کارخانجات تهران» به مناسبت اول ماه مه در صفحه ۲

با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری

برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی، و طرد رژیم «ولایت فقیه»!

اعلامیه کارگران صنوف و کارخانجات تهران

روز اول ماه مه، روز جهانی کارگران خجسته باد

داد و قسط اسلامی می‌گفتید چه شد؟ حمایت از پاپرنه ها و کوخ نشینان در مقابل کاخ نشینان و زراندوزان به کجا کشید؟ آیا این بود نتیجه یک انقلاب بزرگ و مردمی که مِشتی غارتگر و دلال سرمایه داری جهانی از اریکه قدرت به زیر کشیده شوند و در مقابل مِشتی دیگر از زراندوزان و دلالان حرفه ای و تجار بزرگ با تشکیل مافیای اقتصادی- سیاسی، هست و نیست مردم را به نام اسلام و حکومت اسلامی در ید قدرت خود بگیرند.

افرادی که در مافیای اقتصادی خون مردم را به شیشه گرفته اند و چهره کثیف و خون آشام خود را تحت عنوان اسلام- شریعت احکام اسلامی و حکومت مطلقه ولی فقیه پنهان کرده اند. پادوها و نوکران سیاسی آنهاست که روشنفکران و اصلاح طلبان را ترور و یا به گوشه زندان می‌فرستند. چهره و ماهیت سنگواره های تاریخی مانند مصباح، یزدی، جنتی و... که خشونت را تبلیغ و ترویج می‌کنند و روشنفکران را به کام مرگ می‌فرستند و توجیحات شرعی و فقهی برای غارتگران و صاحبان قدرت اقتصادی می‌تراشند بر کسی پوشیده نیست.

کارگران و زحمتکشان مبارز و آگاه

جناح راست و باند مافیایی قدرت با فشار بر مطبوعات دوم خرداد، ایجاد رعب و وحشت و قتل های فجیع و تصویب لایحه ارتجاعی طرح محدود کردن مطبوعات و طرح ضد کارگری معافیت کارگاه های کمتر از ۵ نفر کارگر از شمول قانون کار علیه کارگران، در تدارک کودتا برای اضمحلال و فروپاشی دولت آقای خاتمی برآمده است. در مقابل جناح های فجیع که به دست باندهای مافیایی قدرت صورت می‌گیرد سکوت نکنیم. ماهیت و چهره و سیاست ضد انسانی و ضد کارگری آنان را در میان مردم و کارگران افشاء کنیم. با برگزاری هر چه باشکوه تر اول ماه مه عزم و اراده خود را در چارچوب مطالبات صنفی و اجتماعی نمایان کنیم.

مراسم بزرگداشت این روز جهانی را به فضای بحث و گفتگو مبدل کنیم. با ارزیابی دقیق ماهیت طرح کذایی مصوبات مجلس و اثرهای مخرب آن را به کارگران توضیح دهیم و سیاست طراحان آن را که دشمن طبقاتی کارگران هستند آشکار کنیم. مطالبات صنفی از قبیل تشکیل سازمان های صنفی مانند سندیکا، مبارزه با مساله بیکاری، مبارزه برای اصلاح قانون کار، مبارزه جهت بالا بردن دستمزدها و محدود ساختن کار و تأمین اجتماعی و... با کارگران به بحث بگذاریم. و جهت رسیدن به اهداف صنفی- اجتماعی با استفاده از شیوه های اصولی کارگران و زحمتکشان را یاری رسانیم.

گرامی باد روز اول ماه مه روز جهانی کارگران
پیش به سوی احیاء و تشکیل اتحادیه ها و سندیکاهای
مستقل کارگری
پیروز باد مبارزه عادلانه مردم ایران در راه
آزادی و عدالت اجتماعی

کارگران مبارز!

با نگاهی به مسائل اجتماعی- اقتصادی در سال گذشته مشاهده می‌شود که وضعیت اقتصادی کارگران نسبت به دیگر اقشار و طبقات با افت شدید و هولناکی همراه بوده است. فقر اقتصادی عریان و ملموس و سیر صعودی و بی وقفه تورم به ویژه در کالاهای اساسی مانند گوشت، مرغ، تخم مرغ، برنج و مواد لبنی مانند ماست، شیر، کره، پنیر و... باعث گردیده که کارگران قدرت خرید مایحتاج عمومی را از دست بدهند. فقر غذایی باعث بیماری های گوارشی و سوء تغذیه در خانواده های کارگری گردیده است. صعود نرخ مواد غذایی و پوشاک و وسیله نقلیه و هزینه تحصیل، مشکل مسکن نیز بسیاری از کارگران را به حاشیه شهرها و مناطق بد آب و هوا رانده است. در کنار زندگی پر مشقت و غیر قابل تحمل کارگران و زحمتکشان، زندگی پر ناز و نعمت و مرفه طبقات متمول و زراندوز بی درد قرار دارند که از بهترین امکانات زندگی مانند اتومبیل های گران قیمت، آپارتمان های بزرگ در بالای شهر و ویلاهای مدرن در شمال و... استفاده می‌کنند که به وضوح از یک طرف شکاف عمیق فقیر و غنی و تضادهای طبقاتی را به نمایش می‌گذارد و از طرف دیگر ماهیت اقتصاد ورشکسته را آشکار می‌سازد.

در کنار فقر اقتصادی، بیکاری مزمن و اخراج بی رویه کارگران از مؤسسات و کارخانه های تولیدی که بسیاری از آنها در آستانه ورشکستگی قرار دارند، معضل دیگری است که بر فشارها افزوده و زندگی را بر کام کارگران تلخ تر می‌کند. گزارش های رسیده از کارخانه ها نشان می‌دهد امیدی برای ادامه فعالیت آنها دیده نمی‌شود، کمبود ارز و مواد اولیه، مهمتر از همه رقابت با بخش مافیایی اقتصاد که دلال بزرگ سرمایه داری جهانی است، استمرار فعالیت کارخانه های تولیدی را در مخاطره قرار داده است. به راستی مسبب همه این مسائل و بسیاری فجایع دیگر سیاسی- اجتماعی- اقتصادی کیست؟ و چه کسانی در مقابل آنها جوابگو هستند؟

کارگران مبارز آگاه

دولت آقای خاتمی که وارث اقتصاد بحران زده و متکی به سرمایه جهانی آقای رفسنجانی است، با بدهی بیش از ۵۰ میلیارد دلار هیچ برنامه اصولی برای رفع بحران و کاهش تضادهای رشد یابنده اقتصاد و ایجاد رفاه نسبی در بین کارگران و زحمتکشان ندارد. توسعه سیاسی که خود سیاستی مخدوش و در اثر فشار جناح راست در آغاز راه مانده است، تاثیری در رشد و توسعه اقتصادی نداشته و با این روش و سیاست، اساساً چشم اندازی از بهتر شدن شرایط اقتصادی مردم وجود ندارد.

دولت تنها به وعده و وعیدهای توخالی و بدون پشتوانه اکتفا می‌کند، بدون اینکه قدمی برداشته شود این در حالی است که کارگران از رئیس جمهور و منتخب مردم خواستار حل مشکل مسکن، بهداشت، تأمین اجتماعی، حل مساله بیکاری و اصلاح قانون کار به سود کارگران و محدود کردن ساعت کار را می‌طلبند.

اما دولت، ادامه سیاست جهانی را در پیش گرفته، چشم خود را بر فجایع اقتصادی در داخل بسته و اعتراض کارگران و زحمتکشان را در سراسر جهان حتی در خود آمریکا در مقابل صندوق جهانی پول علیه سرمایه داران نادیده می‌انگارد. کارگران حق دارند بعد از بیست و یک سال که از عمر انقلاب سپری شده، سؤال کنند، آقایان، پس عدالت اجتماعی و اقتصادی که در پرتو عدل،

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران

به مناسبت اول ماه مه، روز جهانی کارگر

کارگران و زحمتکشان ایران!

کمیته مرکزی حزب توده ایران، فرا رسیدن جشن اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت) روز همبستگی رزمی کارگران و زحمتکشان سراسر جهان را به شما مبارزان پیشرو و ثابت قدم راه آزادی، استقلال، دموکراسی و عدالت اجتماعی شاد باش می گوید.

صد و چهارده سال پیش، در روزاول ماه مه، کارگران شیگاوو با نبرد خونین، در طلب خواست های برحق خود، طلایه دار مبارزه پیگیر و برحق طبقه کارگر با سرمایه داری شدند که تا کنون ادامه داشته است.

کارگران و زحمتکشان مبارز!

جشن اول ماه مه در سال هزاره دوم میلادی در اوضاع و احوالی بر گزار می شود که سرمایه داری جهانی هجوم گسترده ای را به دستاورد زحمتکشان، و در جهت نهادینه کردن کنترل خود بر تمامی بازارها و منابع در سراسر گیتی، سازمان داده است. اکنون به وضوح عیان است که، مجموعه سیاست هایی که تحت عنوان «جهانی شدن» از سوی کشورهای سرمایه داری پیشرفته و نهاد های بین المللی نظیر صندوق بین المللی پول، بانک جهانی و سازمان تجارت جهانی عنوان و پیش برده می شوند، جز تشدید استثمار کارگران، دستبرد قانونی به منابع اولیه کشورهای در حال رشد، تصاحب بازارها و جلوگیری از رشد صنایع بومی هدفی دنبال نمی کنند. کشورهای سرمایه داری، با بهره گیری از موازنه نیروها در سطح جهان، که پس از فروپاشی نظام سوسیالیستی در شرق اروپا و به ویژه اتحاد شوروی در دهه اخیر، به ضرر جبهه صلح و ترقی بوده است، سعی کرده اند تا از طریق موافقت نامه های یک جانبه، استثمار جدیدی را به کشورهای در حال رشد و ضعیف تر تحمیل کنند.

نتایج فاجعه بار تسلط سرمایه داری بر جهان، به گسترش درگیری های قومی، ملی و رشد فقر در مقیاس جهانی، و در تک تک کشورهای سرمایه داری، دامن زده است. جنگ و تحمیل «بازار آزاد» دو روی سکه یک سیاست سرمایه داری جهانی در قبال کشورهای در حال رشد بوده است. زحمتکشان جهان، در رویا رویی با چنین اوضاعی، مبارزه بی تحسین آمیز را سازمان داده اند. شکست اجلاس سازمان تجارت جهانی، در سیاتل آمریکا، در حقیقت شکست کمپانی های فراملی در تحمیل یک نسخه جدید نو لیبرالیستی به کشورهای در حال رشد بود، که در بردارنده نقض حاکمیت ملی آنان و تسلط سرمایه خارجی بر همه عرصه های زندگی زحمتکشان این کشورها بود. اتحادیه های کارگری، در جنبش اعتراضی برضد اجلاس سازمان تجارت جهانی در سیاتل، حضور چشمگیر و فعالی داشتند. نمایندگان زحمتکشان جهان، در سیاتل، خواستار قطع روند نو لیبرالیستی کردن بازرگانی جهانی و بررسی پی آمدهای سیاست های سازمان تجارت جهانی در سال های اخیر بودند.

در کشور ما ایران نیز، اول ماه مه امسال، در شرایطی بسیار حساس برگزار می شود. سران ارتجاعی رژیم ولایت فقیه، که در جریان انتخابات چند ساله اخیر باشکست های افتضاح آمیزی روبرو شده اند، با تصویب لایحه خروج کارگاه های زیر پنج نفر کارگر از شمول قانون کار، از طبقه کارگر کشور که در انتخابات مجلس ششم از حمایت از کاندیدا های محافظه کاران سرباز زد، تلافی جویی کرده اند. لایحه مذکور همچنین اقدامی است بغایت تبهکارانه و ضد ملی در جهت فراهم آوردن شرایط مورد تقاضای صندوق بین المللی پول و بانک جهانی و نیز پیش شرط های پیوستن به «سازمان تجارت جهانی».

کارگران مبارز!

مبارزه گسترش یابنده شما در سال گذشته، که در قالب اعتصابات، تحصن ها، تظاهرات اعتراضی تجلی یافت، نمایشگر آمادگی زحمتکشان در دفاع از حقوق قانونی و شرایط کاری و خواست امنیت شغلی است. موج اعتصابات و اقدامات اعتراضی کارگری در صنایع مختلف، و از جمله صنعت نفت، گواه آن است که طبقه کارگر آمادگی و توانایی ایفای نقش موثر در روند تحولات جامعه را دارد. آنچه که اهمیت دارد پیوند دادن موثر جنبش طبقه کارگر با مبارزات اصلاح طلبانه، در جهت توسعه سیاسی، در کشور است. باید خواست های اصلی زحمتکشان، از جمله برخورداری از پوشش قانون کار برای همه کارگران، تحقق خواست کارگران در رابطه با تشکیل سازمان های صنفی مستقل خود، و نیز گسترش پوشش سیستم تامین اجتماعی برای همه کارگران، در دستور کار مدافعان جامعه مدنی قرار بگیرد. جامعه مدنی بدون وجود مکانیزم های حل ریشه ای مشکلات واقعی طبقه کارگر، بدون حضور تشکل های واقعی و مستقل آنان، بدون فعالیت اتحادیه های کارگری، معنایی نخواهد داشت.

رفقای کارگر، زحمتکشان انقلابی!

مبارزه برضد رژیم «ولایت فقیه» به مرحله حساسی رسیده است. مرتجع ترین رهبران رژیم، در تلاش برای حفظ موقعیت خود و جلوگیری از گسترش و رادیکالیزه شدن جنبش اصلاح طلبانه و نهایتاً شکست آن سعی دارند که مانع ارتباط ارگانیک جنبش کارگری با آن جنبش بشوند. البته ضعف های اساسی برخی جناح ها و رهبران جنبش اصلاح طلبان، و به ویژه شخصیت هایی که با شعار های دفاع از «بازار آزاد»، «تجارت آزاد»، «خصوصی سازی»، «سرمایه گذاری خارجی بی قید و شرط»، «حذف مالیات های مستقیم»، «لغو هر گونه مقرراتی بر بازار کار» و «لغو قانون کار» شناخته شده اند، در ایجاد موانع در مسیر ارتباط موثر جنبش کارگری و جنبش مدافع توسعه سیاسی بی تاثیر نبوده است.

اماج مبارزه زحمتکشان ایران، و به خصوص شعارهای آنان در روز اول ماه مه، باید محوری بودن خواست های کارگری در هر گونه جنبش واقعی توسعه طلبانه را نمایش دهد. این را باید تصریح کرد که، مشکلات اقتصادی همه جانبه کشور نه به دلیل حمایت محدود قانون کار از کارگران، بلکه محصول نبود سیاست اقتصادی مبتنی بر استعدادها، امکانات و نیازهای ملی است. وضعیت بحرانی اقتصادی محصول مدیریت غیر علمی و ضعیف در کارخانه ها، ورود بی رویه کالا به کشور، کمبود مواد اولیه و نقدینگی متمرکز است، که قبل از هر کس، مسئولان سیاستگذاری کشور باید پاسخگوی آن باشند. باز گذاشتن دست سرمایه گذاران در اخراج کارگران، تضعیف تشکل های کارگری، و تحدید سازمان تامین اجتماعی، نمی تواند راهگشای بحران اقتصادی کشور باشد. در شرایطی که، طبق آمار رسمی نزدیک به ۲۰ درصد نیروی انسانی کشور بیکار است، که بیکاران متخصص برای اولین بار بخش عمده ای از سپاه بیکاران را تشکیل می دهند، که در ۴ استان کشور نزدیک به ۳۰ درصد بیکار وجود دارد، که هر ساله طبق آمار رسمی نزدیک به نیم میلیون نفر به تعداد بیکاران افزوده می شود، مجاز دانستن اخراج کارگران از طریق تصویب لایحه خروج کارگاه های زیر پنج نفر کارگر از شمول قانون کار، و یا بر اساس قراردادهای موقت، نه فقط اقدامی غیر انسانی، بلکه غیر اقتصادی است. بکارگیری مفید لشکر عظیم بیکاران، و تعیین حداقل حقوقی که با هزینه های واقعی زندگی تناسب داشته باشد، از راه های اصلی رونق اقتصادی کشور است.

کارگران آگاه و مبارز!

تظاهرات روز اول ماه مه را باید به نمایش شکوهمندی از همبستگی کارگران در مبارزه برضد سیاست خائمان بر انداز «تعدیل اقتصادی» و نسخه های کنونی تجویز شده از طرف صندوق بین المللی پول، تبدیل کرد. با بر

تأملی بر مسایل و معضلات مبارزات کارگران و

زحمتکشان در سالی که گذشت

هزاران حرکت اعتراضی بزرگ و کوچک بودیم. بسیاری از این اعتراضات با اشکال رادیکال نیز توأم بود، اما هیچ کدام نتوانست آنچه که می باید تأثیر گذار باشد. ویژگی همه این اعتراضات ضعف جدی آنها در سازمان دهی و نیز همبستگی بود. ما این ضعف را به طور مثال در اعتصابات یکپارچه و نسبتاً موفق در پولاد اهواز، پالایشگاه آبادان، ذوب آهن اصفهان و گروه صنعتی ملی تهران دیدیم. برای حل این معضل راهی جز احیاء و ایجاد تشکل های مستقل صنفی - سندیکاها وجود ندارد. شعار دقیق، حساب شده و موثر کارگران صنوف و کارخانجات صنعتی تهران مبنی بر «پیش به سوی تشکیل و احیاء سندیکاها مستقل کارگری»، حاکی از درک صحیح زحمتکشان از نقاط ضعف، و تلاش برای رفع آن است، که باید از هر باره مورد تشویق و تایید و تقویت قرار گیرد!

زمینه های عینی ایجاد و یا احیاء تشکل های مستقل در میان زحمتکشان وجود دارد، طی چند سال اخیر، به ویژه پس از اعتصاب نفتگران پالایشگاه تهران به این سو، و با رشد گسترش مبارزات صنفی - سیاسی، نهادهای گوش به فرمان رژیم همچون خانه کارگر و شوراهای اسلامی کار، عملاً نتوانستند اقدامی حتی کوچک در جهت دفاع از منافع کارگران انجام دهند و از همراهی با مبارزات کارگری بازمانده و به جریانی بر ضد ژرفش مبارزه زحمتکشان بدل شدند. این تجربه بی است که کارگران در میدان فعالیت روزمره و در مبارزه صنفی، به آن دست یافته اند. این تشکل های وابسته به رژیم، هر چه بیشتر از سوی کارگران طرد و نفی می شوند و به همراه آن تاکید بر ایجاد و یا احیاء سندیکاها اوج می گیرد. یکی از آخرین نمونه های جالب توجه در برخورد کارگران به خانه کارگر و نظایر آن، برخورد کارگران با اقدامات خانه کارگر و شوراهای اسلامی و غیره در جریان دومین گردهمایی اعتراضی به مصوبه مجلس در باره اصلاح قانون کار بود. روزنامه کیهان به تاریخ ۱۸ اسفند در این زمینه اعتراف می کند: «تعدادی از کارگران کارخانه بافت آزادی نیز ضمن انتقاد از مصوبه اخیر مجلس، خانه کارگر را نیز به علت آنچه که ناتوانی در دفاع از کارگران در کارخانه ها و به تعطیلی کشاندن بعضی کارخانه ها خواندند، مورد اعتراض قرار دادند.»

در ضمن فراموش نباید کرد، در جریان انتخابات ۲۹ بهمن ماه، کارگران علاوه بر در هم شکستن مدافعان ذوب در ولایت، به محجوب نماینده رژیم در مجلس پنجم و دبیر کل خانه کارگر، نیز یک رای نه بزرگ دادند و درجه اعتبار او در نزد زحمتکشان را به وضوح نمایان ساختند.

وجود تشکل های مستقل صنفی - سندیکا، در لحظه کنونی واجد اهمیت فراوان است. رژیم ولایت فقیه با تمام توان و با استفاده از همه شیوه ها خواهد کوشید تا مانع ایجاد و احیاء سندیکاها واقعی شود. در سال جاری باید انتظار داشت که جمهوری اسلامی در این زمینه به اقدامات مختلفی از تعقیب و پیگرد فعالان کارگری تا تشکل سازی و مانورهای حیل گرانه دست بزند.

نکته پراهمیت دیگری که باید در این باره مورد اشاره قرار گیرد، این است که، جمهوری اسلامی حق هر گونه تشکیل اتحادیه و انجمن صنفی را برای کارفرمایان و سرمایه داران به رسمیت می شناسد و همه گونه تسهیلات مالی نیز برای ایجاد آن پرداخت می شود، ولی این حق را برای کارگران و زحمتکشان قائل نیست و دستگاه های امنیتی آن هر کارگری را که در این زمینه فعالیت کند، مورد پیگرد و بازداشت قرار می دهند. در حمایت دولت از اتحادیه های صنفی کارفرمایان سخنان معاون وزیر کار گویاست. خواجه نوری معاون روابط کار وزارت کار و امور اجتماعی در اوایل سال گذشته طی

در سال گذشته، طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان میهن ما، درگیر یک جدال دشوار با ارتجاع بودند، که نتایج آن در آینده شغلی و معیشتی آنها و نیز سرنوشت کشور تأثیر جدی و اساسی دارد. به بیان روشن تر، اعتراض های گسترده کارگران در شرایط بغرنج سیاسی، یکی از دشوارترین، و در عین حال پر اهمیت ترین فصول مبارزات جنبش کارگری - سندیکایی در چند دهه اخیر است. میزان کامیابی زحمتکشان در این جدال تاریخی، بر روابط کار و سرمایه در میهن ما تأثیرات بسزا بر جای خواهد گذارد! از این رو با تمام نیرو و امکانات و با حد اعلاای هوشیاری، در راه تشکل و سازمان دهی جنبش کنونی سندیکایی و تجهیز آن به شعارهای صحیح و منطبق با منافع صنفی - سیاسی که در چارچوب مبارزه سراسری دمکراتیک مردم در لحظه حاضر بگنجد، تلاش کرد!

توجه و تجربه اندوزی از مبارزات یک سال گذشته، و ارزیابی نقاط ضعف و قوت آن، و ارائه یک ارزیابی عینی و واقع بینانه، می تواند در پیکار حال و آینده موثر باشد.

■ کارگران و زحمتکشان نیروی اصلی تحولات:

نخستین ویژگی بارز جنبش کارگری - سندیکایی طی سال گذشته، حضور قاطع و موثر آن در عرصه مبارزه سراسری دمکراتیک مردم در راه طرد رژیم ولایت فقیه و نیل به آزادی و عدالت اجتماعی بود.

در سالی که پشت سر نهادیم، کارگران و زحمتکشان، برغم آن که از نظر معیشتی کماکان در شرایط نامطلوب و دردناک بسر بردند و امنیت شغلی آنان بیش از گذشته پایمال شد، با درک صحیح از اوضاع کشور و با هوشیاری و آگاهی قابل ستایش با تلفیق اصولی مبارزه صنفی و سیاسی و تشخیص حساسیت دوران کنونی، در نبرد دشوار و بغرنج بر ضد استبداد و ارتجاع به عنوان نیروی اصلی شرکت کردند.

در جریان انتخابات ۲۹ بهمن ماه، طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان، متحد و یکپارچه، و عزمی راسخ در به شکست کشاندن مدافعان ذوب در ولایت نقش اصلی را بر عهده داشتند. زحمتکشان نشان دادند از تیز بینی سیاسی لازم در شرایط بسیار پیچیده فعلی برخوردارند. حضور قاطع و متحد کارگران، شرط لازم برای ژرفش جنبش دمکراتیک به مراحل عالی تر است. در این زمینه جنبش کارگری - سندیکایی باید بکوشد، ارتباط و پیوند خود با جنبش زنان و جوانان را تقویت و تحکیم کند. پیوند این سه جنبش رمز پیروزی بر ارتجاع است.

■ یک گام ارزنده و مهم:

طبقه کارگر ایران در سال گذشته، گام ارزنده و فوق العاده با ارزشی را در راه احیاء و ایجاد تشکل های مستقل صنفی برداشت. حرکت قابل تقدیر و امیدوار کننده جمعی از کارگران صنوف و کارخانجات تهران، در سال ۱۳۷۸ خورشیدی، نوید دهنده رشد آگاهی و وجود زمینه های نیرومند برای شکل گیری سندیکاها کارگری بود. از آن جا که ضعف عمده و اساسی جنبش سندیکایی در سازمان دهی و همبستگی آن است، تلاش در جهت ارتقاء سازمان دهی و همبستگی، نظیر حرکت کارگران صنوف و کارخانجات صنعتی تهران، اقدامی بیجا و فوق العاده پر اهمیت قلمداد می شود. تشکیلات، سلاح برنده و کارآمد طبقه کارگر در مبارزه است. تنها در پرتو وحدت و تشکیلات می توان از منافع صنفی و سیاسی زحمتکشان دفاع کرد. تجربه یکسال گذشته بار دیگر ثابت کرد، بدون سازمان دهی، بدون تشکیلات و بدون همبستگی، حرکات اعتراضی به فرجام مطلوب منتهی نخواهد شد. طی سال ۱۳۷۸ خورشیدی، ما شاهد

ادامه تاملی بر مسایل و معضلات مبارزات کارگران ...

مصاحبه ای که در ابرار اقتصادی به تاریخ ۲۳ تیرماه ۷۸ انتشار یافت، در دفاع از انجمن صنفی کارفرمایان از جمله گفت: «از کلیه کارفرمایان و دست اندرکاران امور تولید و اشتغال!! در استان های سراسر کشور می خواهیم هر چه زودتر اقدام به تشکیل انجمن صنفی خود کرده. وزارت کار در این زمینه نقش تسهیل کننده دارد.» و این در حالی است که، شکل های مستقل صنفی کارگران از هرگونه حق و حقوقی محروم بوده و اصولاً به رسمیت شناخته نمی شوند.

■ تامین امنیت سرمایه و منافع کارگران:

هسته اصلی سیاست های اقتصادی رژیم ولایت فقیه که مورد توافق دولت خاتمی هم است و یا به عبارت دقیق تر، سمت گیری اقتصادی - اجتماعی جمهوری اسلامی، که در برنامه سوم توسعه نیز آشکارا مورد تاکید قرار گرفته، تامین امنیت سرمایه و خصوصی سازی است. این برنامه از سوی نهادهای قدرتمند سرمایه داری جهانی یعنی صندوق بین المللی پول و بانک جهانی به رژیم ولایت فقیه دیکته شده و توسط دولت رفسنجانی و سپس دولت خاتمی در حال اجرا و عملی شدن است. آنچه ما در آخرین ماه سال گذشته در مجلس شورای اسلامی شاهد بودیم، یعنی تصویب طرح ارتجاعی خارج شدن کارگاه های ۵ نفر و کمتر از شمول قانون کار، دقیقاً در راستای اجرای چنین برنامه هایی است. تصویب این طرح شگفت آور نبود.

تامین امنیت سرمایه و چپاول صنایع تحت عنوان خصوصی سازی، بدون در هم شکستن نیروی کار یعنی کارگران و زحمتکشان و یورش به دست آوردهای تاریخی آنان امکان پذیر نیست. در برنامه جمهوری اسلامی تامین امنیت سرمایه با ایجاد ناامنی برای طبقه کارگر مترادف است. بهای تامین امنیت سرمایه را باید کارگران و زحمتکشان با فقر و فلاکت خود بپردازند! رژیم ولایت فقیه برای جلب و جذب سرمایه های خارجی، نیروی کار ارزان و مطیع را پیش کش می کند. مبارزه بر سر لغو فوری و بلادرنگ و کامل این مصوبه قرون وسطایی، عرصه مهم تقابل کارگران با رژیم در سال جاری خواهد بود. مساله البته به همین جا ختم نمی شود. حزب ما بارها و به دفعات، پیامدهای اجرای برنامه های مخرب صندوق بین المللی پول را یادآوری کرده و نقش فاجعه بار آن را بر زندگی زحمتکشان افشا کرده است. در تمام طول سال گذشته، این سیاست ها با عناوین مختلف پیگیری و اجرا شد. فروپاشی بنیه تولیدی، سقوط سطح زندگی کارگران و رواج اقتصاد دلالی از پیامدهای این برنامه هاست. در این باره معاون روابط کار وزارت کار و امور اجتماعی در گفتگویی با خبرنگاری جمهوری اسلامی، که روزنامه کیهان به تاریخ ۱۰ اسفند ماه ۷۸ آن را درج کرده، معترف می شود: «ناتوانی برخی واحدهای صنعتی و تولیدی برای سرمایه گذاری مجدد موجب بروز مشکلات و بلا تکلیفی کارکنان آنها شده، برای حل مشکل این قبیل واحدها، کمیته رسیدگی به وضعیت صنایع در وزارت صنایع و مرکب از وزیران کار، کشور و صنایع و نمایندگان بانک مرکزی، سازمان برنامه و بودجه و سازمان تامین اجتماعی تشکیل شده است، این کمیته با استمهال بدهی واحدهای صنعتی و تولیدی که با مشکل مواجه هستند، معرفی آنها به بانک ها و جایگزینی مدیرانشان سعی دارد، واحدهای صنعتی کشور را از بحران مالی و مدیریتی نجات دهد.» وی سپس با اعتراف به ناکارآمدی تصمیمات این کمیته، تاکید می کند: «با وجود تلاش مسئولان، برخی واحدها با مشکلات روبرو هستند و کارکنان آنها ماه هاست در دریافت حقوق کامل خود با مشکل مواجه هستند، تعداد این قبیل واحدها، حدود ۵۰ واحد در سراسر کشور است. خریداران این کارخانه ها که برخی از آنها در سال ۱۳۷۵ به بخش خصوصی واگذار شد، با هدف فعال کردن واحدها، آنها را خریداری نکرده اند و تعهدی در این زمینه ندارند.» معاون وزیر کار صراحتاً یادآور می شود: «صاحبان جدید کارخانه ها [بخش خصوصی] حاضر به سرمایه گذاری مجدد در این گونه واحدها نیستند.»

این است ثمره خصوصی سازی، که تحت عنوان رشد اقتصادی و افزایش تولید و اشتغال زایی، از دوران رفسنجانی آغاز و توسط دولت

خاتمی ادامه یافته است. بار اصلی این فاجعه بر دوش کارگران و زحمتکشان و خانواده هایشان سنگینی می کند. محبوب دبیر کل خانه کارگر، در یک گفتگوی مطبوعاتی، که در تاریخ ۱۰ اسفند ماه ۷۸، در روزنامه کیهان انتشار پیدا کرده است، رسماً اعلام می دارد: «در حال حاضر ۵۰۰ کارخانه در کشور در حال توقف بوده و یا نیمه فعال هستند که، از این رقم ۱۵۰ کارخانه با توقف کامل روبرو است، در سال جاری به حدود ۶۰ کارخانه کمک حمایتی شد تا بتوانند حقوق کارگران را پرداخت کنند.» وی متذکر شد: «بررسی های به عمل آمده نشان می دهد طی ۱۰ سال گذشته، میزان دستمزد کارگران ۱۱۰ درصد کمتر از ماخذ تورم کشور بوده است، مزد بگیران طی سال های ۷۲ تا ۷۶ در مقایسه با شرکت ها مالیات بیشتری پرداخت کرده اند.»

حال باید پرسید، علت چیست؟ چرا طی ۱۰ سال گذشته میزان دستمزد زحمتکشان ۱۱۰ درصد کمتر از ماخذ تورم موجود بوده است؟! پاسخ روشن است، علت را باید در مجموعه سیاست های اقتصادی رژیم جستجو کرد! وزیر کار دولت خاتمی در این خصوص سخنان افشاگرانه جالبی دارد. خبرگزاری ایرنا در تاریخ ۲۶ بهمن ماه، از قول کمالی وزیر کار که در جلسه نمایندگان شوراهای اسلامی کار محور جاده مخصوص کرج و شرق تهران سخن می گفت، گزارش داد: «میزان افزایش دستمزدهای سالانه که در مراکز صنعتی - تولیدی و خدماتی کشور جریان دارد یک روش پویا و ابتکار برانگیز و مشوق تولید نیست. در حقیقت افزایش سالانه دستمزدها نوعی افزایش اسمی است و با افزایش مزد واقعی متفاوت است.» جالب است، برغم توضیحات وزیر کار و دبیر کل خانه کارگر که در ظاهر ژست هواداری از افزایش دستمزد کارگران را می گیرند، شورای عالی کار هر ساله حداقل دستمزد زحمتکشان را زیر نرخ تورم محاسبه و اعلام می دارد. امسال نیز بار دیگر شورای عالی کار، به همان روال ضد کارگری همیشگی خود، عمل کرد. برای سال جاری حداقل دستمزد کارگران مشمول قانون کار ۴۵۸ هزار ریال تعیین گردیده است! خواجه نوری معاون وزیر کار و امور اجتماعی ضمن اعلام میزان جدید، از جمله خاطر نشان ساخت: «شورای عالی کار در جلسه شنبه گذشته خود (۲۵ اسفند ۷۸) پس از بحث و بررسی، حداقل دستمزد را بر اساس میزان تورم و حداقل معیشت خانوارها به گونه ای تنظیم کرد که از سال آینده کلیه حقوق بگیران مشمولان قانون کار از آن بهرمنند باشند.»

جالب اینجاست که مسئولان رژیم ولایت فقیه خط فقر یا حداقل معیشت را در حال حاضر ۸۰ هزار تومان محاسبه می کنند. اما حداقل دستمزد کارگران مشمول قانون کار (با مصوبه مجلس و اصلاح قانون کار بیش از ۳ میلیون نفر شامل این حداقل ناچیز نمی شوند) ۴۵۸ هزار ریال تعیین شده است. برای پی بردن به عمق فاجعه توجه به گزارش سازمان برنامه و بودجه در زمستان سال گذشته خورشیدی ضروری است، در این گزارش می خوانیم: «درآمد افراد ثروتمند ایران بیش از ۱۰ برابر افراد کم درآمد است. در حالیکه ۲۰ درصد کم درآمدترین اقشار جامعه کمتر از ۷ درصد هزینه های خوراکی را به خود اختصاص می دهند، این نسبت در مورد ۲۰ درصد اقشار با درآمد بالا به ۴۰ درصد هزینه ها بالغ می شود. مصرف مواد خوراکی در ۲۰ درصد اقشار ثروتمند بیش از ۵/۵ برابر ۲۰ درصد اقشار کم درآمد است. این در حالی است که از زمان برنامه پنجساله اول توسعه تا ابتدای سال ۱۳۷۷ رقم مربوط به شاخص خط فقر ۷ برابر شده است» (اخبار اقتصاد، ۷ اسفند ۷۸).

روزنامه اطلاعات نیز در ۹ اسفند ماه به نقل از اداره آمار اقتصادی بانک مرکزی، نوشت: «شاخص بهای عمده فروشی کالاها در ایران در دی ماه امسال (۱۳۷۸) به عدد ۹۷۱/۴ رسید که نسبت به آذر ماه ۲/۸ درصد و در مقایسه با دی ماه سال گذشته ۲۷/۳ درصد رشد نشان می دهد.»

میزان حداقل دستمزد کارگران و معیار محاسبه آن، را با ارقام رسمی سازمان برنامه و بودجه و بانک مرکزی مقایسه کنید، نتیجه حاصله فوق العاده

نگاهی گذرا به حرکت های اعتراضی کارگران در سالی که گذشت

تغییر مفاد قانون کار به نفع کارگران شدند. کارگران واحدهای تولیدی قزوین، کارگران شهر تبریز، کارگران شاغل در واحدهای صنفی مشهد، هر کدام با برگزاری اجتماع اعتراض آمیز مخالفت شدید خود را ابراز داشتند. چنین مخالفت هایی در سطح گسترده و در تمامی کشور بر پا گردید. با تصویب چنین طرحی بیش از ۲ میلیون کارگر شاغل از حمایت های قانونی محروم می شوند. رانندگان شرکت واحد اتوبوس رانی تهران در برخی خطوط از سوار کردن مسافری خودداری کردند و به نوعی اعتصاب محدود اقدام کردند. کارگران و زحمتکشان سمنان، با برپایی تظاهرات مختلف، مخالفت قاطع خود را با واگذاری بیمارستان ۱۶۰ تختخوابی سازمان تامین اجتماعی به بخش خصوصی، اعلام داشتند. در استان اردبیل، سیاست اخراج کارگران به بهانه افزایش تولید و سودآوری، منجر به درگیری میان زحمتکشان و مدیران و کارفرمایان گردید. اخراج بیش از ۲۰۰ تن از کارگران کارخانه لاستیک سازی آرتاویل، واقع در اردبیل، از سوی مدیریت این کارخانه، به درگیری شدید انجامید، که با دخالت نیروهای انتظامی و بسیج و دستگیری عده پی از کارگران، خاتمه یافت.

مجلس رژیم اسلامی، در جلسه علنی روز چهارشنبه ۱۸ خرداد خود، در یک عقب نشینی آشکار طرح معافیت کارگاه ها و مشاغل دارای سه نفر و کمتر از شمول قانون کار را، تا مدت شش سال که در جلسه روز قبل به تصویب رسانده بود، با تصویب پیشنهادی دیگر به مدت شش ماه مسکوت گذاشت. تصویب کلیات این طرح ضد کارگری آن چنان کارگران را به خشم آورد که مجلس رژیم اسلامی مجبور گردید ۲۴ ساعت بعد طرح مذکور را مسکوت بگذارد.

همزمان با اخراج کارگران و فشارهای بیشتر به کارگران و زحمتکشان، و گسترش هر چه بیشتر قراردادهای موقت، سازمان تامین اجتماعی اعلام کرد که، کارگران قراردادی نمی توانند از مقرری بیمه بیکاری استفاده کنند. چنین اقدامی با توجه به اخراج های بی رویه کارگران در تمامی مراکز تولیدی و استخدام دوباره کارگران قدیمی و جدید به صورت قرارداد موقت، باعث فشار هر چه بیشتر بر طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان میهنمان گردید. کارگران در مخالفت با این بخشنامه ضد کارگری سازمان تامین اجتماعی اعتراضات خود را به شکل های گوناگون ابراز داشتند. از جمله حرکات اعتراضی چشمگیر و حائز اهمیت، اعتراضات متعدد کارگران و کارمندان شرکت ملی نفت ایران بود. در این اعتراضات، خواست سنجیده و هوشیارانه کارکنان شرکت ملی نفت ایران در مقابله با سیاست و برنامه خصوصی سازی در صنایع نفت و گاز بود. علاوه بر نفتگران، کارگران شرکت نیشکر هفت تپه نیز، در اعتراض به سطح پایین دستمزدها، و برای جلوگیری از اخراج ها و بازنشسته کردن اجباری کارکنان، دست به اعتصاب زدند. بیش از ۱۰۰ نفر از کارگران شرکت لوله سازی خوزستان، در اوایل خرداد ماه، در اعتراض به قراردادهای موقت و سطح پایین دستمزدها، در مقابل دفتر مدیریت دست به تجمع اعتراضی زدند. کارگران کارخانه ریسندگی و بافندگی صنایع پشم اصفهان، با یک اعتصاب سازمان یافته و هماهنگ، خواستار افزایش سطح دستمزدها، پرداخت بموقع دستمزدها و ایجاد تشکل های مستقل صنفی شدند. صدها تن از کارگران شرکت نقش ایران، در قزوین، با مسدود کردن درب اصلی کارخانه، پرداخت دستمزدهایشان را مطالبه کردند.

تبر، مرداد، شهریور

۲۶۹ تن از کارگران شاغل در اداره راه قدس مهاباد، پس از سالیان سال کار به دلیل انحلال این اداره، از کار بیکار شدند. اعتراض کارگران شاغل در این اداره با بی توجهی مسئولان مواجه گردید، و حتی از دریافت بیمه بیکاری هم، به دلیل امتناع تامین اجتماعی شهرستان مهاباد، محروم گردیدند. اعتراض کارگران شرکت چهار کاف (کارخانه کیسه های کاغذی کرمان) برای جلوگیری از تعطیلی این کارخانه بدون اثر ماند، و کارگران این کارخانه از کار بیکار شدند. صدها تن از کارگران شرکت نقشیران، در شهر

جنبش کارگری میهن ما سال پر تحرک و پرباری را پشت سر گذاشت. صدها حرکت صنفی در اعتراض به سیاست های ضد مردمی و ضد ملی تعدیل اقتصادی و روند مخرب تخریب امکانات تولیدی کشور، در کنار تشدید فعالیت کارگران در صحنه های بیکار سیاسی از جمله شرکت فعال در انتخابات ۲۹ بهمن ماه ۱۳۷۸ نشان داد که جنبش کارگری کشور به عنوان مهمترین گردان جنبش مردمی در راه آزادی و عدالت اجتماعی، توان تازه بی یافته است و در صورت سازمان یافتگی بیشتر و ایجاد نهادها و تشکل های مستقل همچون سندیکا و اتحادیه های کارگری قادر خواهد بود نقش تاریخی خود را در روند تحولات میهن با موفقیت به انجام رساند. آنچه در زیر می آید خلاصه بی است از حرکت های اعتراضی جنبش کارگری در سالی که پشت سر گذاشتیم.

فروردین، اردیبهشت، خرداد

حدود ۲۰۰ تن از کارگران شرکت لوازم خانگی مولد ساوه، در مقابل این کارخانه، دست به تجمع اعتراض آمیز زدند. این عده از کارگران در پی آتش سوزی کارخانه از کار بیکار شده بودند، و به دنبال مذاکره مسئولان شهر ساوه با مدیریت کارخانه، کارفرما تنها برای بازگشت به کار ۴۶ تن از کارگران اعلام آمادگی کرده بود.

کارگران کارخانه نساجی شماره دو قائم شهر، در اعتراض به عدم دریافت حقوق و بیمه بیکاری، در این شهر دست به تجمع اعتراض آمیز زدند. کارگران پیشتر و در چند نوبت، از مسئولان خواهان رفع مشکلاتشان شده بودند. مدیر کل کار استان مازندران علت عدم پرداخت حقوق و بیمه کارگران را بهینه سازی خطوط تولید و حفظ اشتغال عنوان کرد، اما هدف اصلی اخراج کارگران، به بهانه های مختلف بود. ۷۶ نفر از کارگران نساجی پارس در رشت اخراج شدند. صاحبان این کارخانه به کارگران اعلام کرده بودند که آنها باید خود را باز خرید نموده و بعد به صورت قراردادی دوباره مشغول به کار شوند. کارفرمایان بعد از تحمیل این قراردادهای اسارت بار به کارگران، اقدام به اخراج آنها کردند. کارگران شرکت کشاورزی دشت گنبد، در یک حرکت اعتراضی خواستار توقف فروش اراضی این شرکت شدند به دلیل اینکه موجبات بیکاری آنها را فراهم می کند. کارگران اعلام کردند در صورت ادامه فروش اراضی متعلق به این شرکت در آینده نزدیک تمام کارگران شاغل در این شرکت از کار بیکار خواهند شد. کارخانه اکریلیت، با حدود ۱۷۰ کارگر، در آستانه ورشکستگی قرار گرفت. این شرکت به علت تنگناهای مالی برای پرداخت حقوق کارگران دچار مشکل گردیده و به همین علت کارگران از دریافت حقوق و مزایای خود محروم شدند. در همین زمینه، کارخانه چیت سازی بهر نیز با گذشت ۳ ماه تعطیلی وضعیت روشنی نداشت. مدیر این کارخانه به بهانه تهیه پول جهت پرداخت حقوق کارگران، به تهران رفت، ولی دیگر مراجعت نکرد، و ۲ هزار کارگر و خانواده هایشان در بلا تکلیفی و نابسامانی مالی قرار گرفتند. کارگران کارخانه نساجی پارس ایران، واقع در رشت، در اعتراض به اخراج گروهی از همکاران خود، در برابر اداره کل کار استان گیلان تجمع اعتراضی تشکیل داده، خواستار توقف برنامه اخراج ها شدند. بر اساس گزارشات رسیده، هزاران نفر، که اغلب آنها را بیکاران تشکیل می دادند، ضمن تجمع در برابر شرکت کشت و صنعت کارون شهر شوشتر، با چوب و سنگ، در و پنجره و شیشه دفاتر شرکت مذکور را شکستند.

به دنبال اقدام ضد کارگری گسترده در سطح کشور، مجلس رژیم اسلامی با تصویب یک فوریتی طرح خروج کارگاه های سه نفر و کمتر از شمول قانون کار، اعتراض های وسیعی را برانگیخت. در تظاهرات روز اول ماه، که پس از سالیان متمادی، رژیم زیر فشار کارگران مجبور شد به آن گردن نهد، کارگران مخالفت قاطعانه خود را نسبت به اقدامات کارگر ستیزانه رژیم ابراز داشتند. در کرمانشاہ کارگران با تظاهرات و راه پیمایی خواستار لغو این قانون ضد کارگری شدند. در همدان، کارگران با تجمع در مقابل خانه کارگر و سر دادن شعارهایی خواستار

ادامه نگاهی گذرا به حرکت های اعتراضی کارگران ...

صنعتی البرز، به دلیل عدم دریافت حقوق و مزایا، مقابل این شرکت اجتماع کرده، و با بستن جاده مانع از تردد وسایط نقلیه شدند. تجمع اعتراضی آمیز کارگران با دخالت نیروهای انتظامی خاتمه پیدا کرد. کارگران کارخانه های فراسا، در ساوجبلاغ، با برپایی یک راه پیمایی اعتراضی به طول ۸ کیلومتر، از کارخانه تا مقابل فرمانداری، خواستار احقاق حقوق خویش و دریافت مزایا و حقوق عقب افتاده خود شدند. کارگران کارخانه آجر پزی اصفهان در اعتراض به سطح پایین دستمزدها و عدم اجرای طرح طبقه بندی مشاغل و نیز تاخیر در پرداخت دستمزدها، خط تولید را تعطیل و در محوطه کارخانه تجمع کردند. کارگران کارخانه صنایع پشم اصفهان، تحصنی را در برابر اداره کل کار اصفهان سازمان دادند.

کارگران و کارمندان کارخانه صنایع چوبی ایران، در اعتراض به حکم تعطیلی کارخانه از طرف دادگاه عمومی تهران، با یک تجمع اعتراضی خواستار راه اندازی دوباره کارخانه و لغو حکم دادگاه گردیدند. گروهی از تاکسی رانان، در اعتراض به عملکرد مقامات اداره تاکسی رانی و شهرداری، دست به اعتصاب زده، و در برابر فرمانداری اجتماع کردند. کارگران کارخانه پوست و چرم لرستان، با تشکیل یک گروهی در محل این کارخانه خواستار بازگشایی آن گردیدند. کارگران و کارمندان از بیم تعطیلی دائم و بیکاری اقدام به تجمع اعتراضی در برابر درب کارخانه کردند. نیروی انتظامی رژیم ولایت فقیه اعلام کرد که، کارگران در صورت متفرق نشدن، بازداشت خواهند شد. کارگران کارخانه خزر خز شهسوار با راه پیمایی در سطح شهر و تجمع در برابر فرمانداری خواست خود را مبنی بر دستمزدهای معوقه خویش اعلام کرده، و تهدید به اعتصاب دراز مدت کردند. کارگران و کارمندان سازمان بنادر و کشتیرانی بندر شاپور در اعتراض به اخراج کارگران و کارمندان، در محوطه اسکله تجمع کرده و خواستار توقف این برنامه های ضد کارگری شدند.

مهر، آبان، آذر

کارگران شرکت خزر خز شهرستان شهسوار، دوباره در اعتراض به توطئه دولت و کارفرمایان برای تعطیلی کارخانه، دست به حرکات اعتراضی زدند. کارگران کارخانه ریسندگی سمنان، در اعتراض به عدم دریافت حقوق های عقب افتاده خود، دست از کار کشیدند و در مقابل فرمانداری سمنان دست به یک تجمع اعتراضی زدند. کارگران شهرداری ایلام، در یک حرکت اعتراضی در مقابل شهرداری اجتماع کرده، و با امضاء طوماری خواستار حقوق اضافه کاری خود که به مدت ۱۵ ماه به تعویق افتاده بود، گردیدند. بیش از ۴۰۰ تن از کارگران لوله سازی اهواز در اعتراض به حقوق معوقه خود، و نیز خواست اجرای طرح طبقه بندی مشاغل، در مقابل استانداری خوزستان در اهواز، گرد آمدند و به دادن شعار پرداختند. این حرکت، با دخالت نیروهای انتظامی و بسیج پایان یافت. کارآموزان شرکت ملی نفت اهواز به علت خودداری مسئولان شرکت نفت از استخدام رسمی آنها، دست به راه پیمایی زدند و در مقابل ساختمان این شرکت تحصن کردند. کارگران شرکت پاسارگاد دریا که پیمانکار شرکت نفت فلات قاره است، در اعتراض به دستمزدهای معوقه خود کار را تعطیل و در مقابل بخشداری جزیره خارک تحصن کردند. این تحصن به وسیله سپاه و ماموران وزارت اطلاعات به سختی مورد حمله قرار گرفت. کارگران فولاد شهر اصفهان، در اعتراض به رکود و تعطیلی بخش هایی از کارخانه، و پرداخت نشدن دستمزدهای خود به مدت سه روز دست به اعتصاب زدند. ۴۰۰ نفر از کارگران ساختمانی اصفهان در اعتراض به وضعیت وخیم خود و خانواده هایشان در مقابل اداره کار این شهر تجمع کرده و با دادن شعارهایی بر ضد سیاست های اعمال شده اعتراض شدید خود را نسبت به روند شتابان افزایش بیکاری اعلام کردند. کارگران کارخانه نساجی بارش در اصفهان، در اعتراض به عدم پرداخت بموقع حقوق خویش، و لغو قراردادهای موقت، با حراست و مدیریت این کارخانه درگیر گردیدند. کارگران شرکت فراسا، در هشتگرد با مسدود کردن چند خیابان اصلی شهر دست به یک تجمع اعتراضی در مقابل اداره کار این شهر

زدند. کارگران مجتمع پوشاک پلیکان طیس، در استان خراسان، در اعتراض به سیاست تعدیل نیروی انسانی و بازخرد نزدیک به ۴۰ درصد از کارگران و کارمندان، در یک حرکت یکپارچه دست به اعتصاب زدند. بررغم ممنوعیت تظاهرات از طرف وزارت کشور، صدها کارگر در برابر ساختمان تامین اجتماعی، در تهران گرد آمدند و به سیاست های ارتجاعی رژیم ولایت فقیه اعتراض کردند. کارگران در این تظاهرات اعتراضی خواستار توقف روند خصوصی سازی، پرداخت مجدد بیمه بیکاری و جلوگیری از حراج بیمارستان های سازمان تامین اجتماعی و همچنین افزایش دستمزدها بر اساس نرخ واقعی تورم شدند. ۱۳۰ کارگر شرکت پارس آری، با سابقه کار ۲۵ ساله، با اعتراض به فشارهایی که به آنها مبنی بر بازخرد اجباری می شود، خواستار رسیدگی به وضعیت شغلی خود شدند. در شهر صنعتی قزوین، کارگران شرکت فرش اکباتان با دست زدن به یک اعتصاب، پیرامون تامین امنیت شغلی، پرداخت دستمزدهای عقب افتاده خواست های خود را مطرح کردند. کارگران شرکت بهمن پلاستیک تهران، در یک تجمع اعتراضی، نسبت به مشکلات حقوقی، صنفی، و معیشتی خود و بی توجهی مسئولان اعتراض کردند.

دی، بهمن اسفند

اعتصاب یکپارچه و متحد کارگران پالایشگاه آبادان، بازتاب وسیعی در جامعه یافت، و با همبستگی طبقه کارگر در سراسر کشور روبه رو شد. اعتراض اصلی کارگران و کارمندان پالایشگاه آبادان، به طرح اصلاح ساختار صنعت نفت بود. بر پایه این طرح، شمار بزرگی از کارکنان شاغل در امور نفت و گاز و پتروشیمی، تحت عنوان تعدیل نیروی انسانی، اخراج می گردند. بر اساس این طرح بیش از ۴۰ هزار نفر تعدیل می شوند. علاوه بر آبادان، سراسر مناطق نفت خیز و پالایشگاه های تبریز، اصفهان و کرمانشاه نیز دچار تنش و ناآرامی بودند. بیش از ۷۵۰ تن از کارگران مجتمع پتروشیمی بندر شاهپور، با دست کشیدن از کار و با تجمع در برابر درب ورودی این مجتمع، خواستار عقد قراردادهای دستجمعی و دائمی و لغو قراردادهای موقت شدند. کارگران سپینتا در اهواز با دست زدن به یک اعتصاب خواستار افزایش سطح دستمزدها و دریافت وام مسکن شدند. کارگران به سیاست های تعدیل نیروی انسانی نیز اعتراض کردند. کارکنان برق منطقه ای تهران در اعتراض به حل نشدن معضل مسکن خود و افشای دزدی و رشوه و بی لیاقتی گردانندگان وزارت نیرو در مقابل ساختمان وزارت مسکن و شهرسازی دست به یک تجمع اعتراضی زدند. در تهران کارگران شرکت مترو در اعتراض به عدم دریافت به موقع دستمزدهای خود با دست کشیدن از کار به یک تحصن اعتراضی اقدام کردند. کارگران کارخانه ملبیران، در اعتراض به عدم پرداخت به موقع دستمزدهایشان و تعطیلی کارخانه یک گردهم آبی را مقابل وزارت کار در تهران سازمان دادند. کارکنان شرکت های تحت پوشش بانک صنعت و معدن در یک اقدام هماهنگ و متشکل با تجمع در برابر شعبه مرکزی این بانک در تهران خواستار دستمزد و پاداش معوقه خود شدند. صدها تن از کارکنان کارخانجات لوله سازی خوزستان که بیشترین سهام آن متعلق به بانک صنعت و معدن است در اعتراض به عدم دریافت حقوق چندین ماهه خود در مقابل استانداری خوزستان دست به تجمع اعتراضی زدند. کارگران مجتمع صنعت لرستان، در اعتراض به اخراج و تعطیلی کارخانه، دست به اعتصاب زدند. تصویب قانون ضد کارگری معافیت کارگاه های دارای ۵ نفر، و کمتر از شمول قانون کار، توسط مجلس ارتجاع، از جمله خبرهایی بود که عکس العمل خشمگینانه کارگران را در بر داشت. به همین دلیل، چندین هزار نفر از کارگران، معترض به این قانون ارتجاعی، در مقابل مجلس ارتجاع تجمع کرده و بر ضد این قانون ارتجاعی به شعار دادن پرداختند. چنین تظاهراتی، چندین روز بعد، در تهران و دیگر شهرستان ها ادامه یافت. کارگران با تجمع دوباره در مقابل مجلس ارتجاع، با دادن شعار بر ضد نمایندگان رژیم ولایت فقیه در مجلس، خواستار لغو این مصوبه ارتجاعی شدند. کارگران کارخانجات نساجی بروجرد، با انجام یک اعتصاب، خواستار طرح طبقه بندی مشاغل، رفع تبعیض و افزایش دستمزدهای خود گردیدند. اعتصاب ها و اعتراض های دیگری در کارخانه صنعت چوب ساوه، کارخانجات لوله سازی لرستان، کارخانه بارش اصفهان، شرکت صنعتی پولیکای اصفهان، شرکت الکتریک رشت و شرکت گرانسنگ مهر کلاردشت و جز آنها به وقوع پیوست.

حزب توده ایران، سندیکا و حقوق سندیکایی

رشد خاص خود را داراست.

با توجه به این تعریف علمی از سندیکا که، می باید به تعریف و بازگو نمودن حقوق سندیکایی پرداخت:

به طور کلی مجموعه قوانین حقوقی ناظر بر فعالیت سندیکاها که حیطة و محدوده فعالیت آنها را مشخص ساخته و به آن قانونیت و رسمیت می بخشد، حقوق سندیکایی نام دارد. برخی از مهم ترین و بنیادی ترین موارد حقوق سندیکایی عبارتند از:

- سازمان های سندیکایی حق دارند، بر طبق اساسنامه خود عضو پذیرفته و حق عضویت و یا کمک مالی دریافت کنند. هیچ کارگری را نمی توان از عضویت در سندیکا منع کرده یا مورد پیگرد قرار داد؛

- سازمان های سندیکایی حق دارند، اعتصاب ها را سازمان دهی کنند و یا از کلیه اقداماتی که به منظور تشکیل اعتصاب به عمل می آید پشتیبانی کنند. به دلیل این قبیل فعالیت ها، در هیچ موردی نمی توان کسی را مورد بازخواست و تعقیب قرار داد؛

- سازمان های سندیکایی حق دارند بدون کسب اجازه از مقامات دولتی، کنفرانس، همایش (کنگره)، میتینگ و تظاهرات برگزار کنند؛

- سندیکاها حق دارند اماکن ثابت و دائمی را، که در خور فعالیت و متناسب فعالیت آنهاست، در اختیار گیرند و مورد استفاده قرار دهند؛

- سازمان های سندیکایی حق دارند به منظور دفاع از منافع و حقوق زحمتکشان، در باره اقدامات اقتصادی - اجتماعی، سیاسی و فرهنگی دولت اظهار نظر کنند و در مورد آن مسائلی که با منافع و حقوق زحمتکشان ارتباط دارد و یا آنها را به خطر می اندازد مذاکره و اقدام کنند؛

- سازمان های سندیکایی حق دارند، عملیات و فعالیت های سندیکایی و فعالیت های دیگر را از قبیل فعالیت های آموزشی و فرهنگی زحمتکشان سازمان دهند و برای استفاده زحمتکشان کتابخانه و موسساتی مانند آنها و نیز باشگاه های ورزشی و تفریحی تاسیس و اداره کنند؛

- سندیکاها کلیه حرفه ها و مشاغل حق دارند بر مبنای حرفه ای، صنعتی، محلی و استانی فدراسیون تشکیل دهند و یا به فدراسیون های موجود بپیوندند؛

- سندیکاها حق دارند که با شرکت فدراسیون ها و سندیکاها صنایع، حرفه ها و مشاغل گوناگون، کنفدراسیون کشوری تشکیل دهند؛

- سندیکاها حق دارند که در باره دستمزدها و شرایط کار، با کارفرمایان و از آن جمله، با مقامات دولتی مذاکره کنند و با آنها در مورد یک حرفه یا جمعی از حرفه ها و همچنین به مقیاس کشوری پیمان جمعی منعقد سازند؛

- سندیکاها حق دارند، در کلیه موسساتی که به مسایل مربوط به زحمتکشان می پردازند، حضور داشته و بیانگر منافع فردی و جمعی زحمتکشان باشند و برای دفاع از منافع آنان به اقدامات قانونی دست بزنند؛

- سندیکاها حق دارند که، در اداره واقعی امور بیمه های اجتماعی و سازمان های آموزش حرفه ای و دیگر موسسات مربوط به مسایل اجتماعی زحمتکشان، شرکت داشته باشند؛

- سازمان های سندیکایی می باید در کلیه مسایلی که، به طور مستقیم و یا غیر مستقیم، به زحمتکشان مربوط است، به ویژه هنگام تنظیم قوانین و آیین نامه ها، مورد مشورت قرار گیرند. آنها حق دارند طرح قانونی تنظیم کنند؛

- افرادی که به عنوان نماینده کارگران انتخاب می شوند، حق دارند به کارگاه ها، ادارات و موسسات مربوطه رفت و آمد کنند، و اگر کارگران در ساختمان های سازمانی سکنی داشته باشند، حق رفت

اوج گیری مبارزات طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان میهن ما، وظایف و مسئولیت های خطیر و بس سنگینی را بر دوش فعالان کارگری و مبارزان توده ای قرار داده است. سازمان دهی این جنبش و طرح شعارهای اصولی، دقیق و در عین حال موثر و بسیج کننده، از اهمیت فوق العاده ای در لحظه حاضر برخوردار است.

یکی از این شعارها که، بدرستی و هوشیاری از سوی کارگران مبارز و پیشرو مطرح گردیده، احیاء سندیکاها و اتحادیه های مستقل کارگری است که، به نوبه خود خواست احیاء حقوق سندیکایی را نیز طرح می سازد.

با توجه به این واقعیت، آشنایی با مفهوم علمی سندیکا و حقوق سندیکایی، برای جنبش کارگری - سندیکایی و فعالان آن دارای اهمیت بوده، به ویژه آنکه برای نسل جوان طبقه کارگر ایران آشنایی با این مفاهیم، به معنای تجهیز جنبش کارگری در رویارویی تاریخی یا ارتجاع در شرایط کنونی است.

در جنبش کارگری، سندیکا به معنای سازمان صنفی طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان است. سندیکاها، در جریان مبارزه کارگران برای دفاع از منافع خود و بهبود شرایط اقتصادی آنان، پدید آمده است. سابقه تشکیل و فعالیت سندیکاها کارگری در ایران به دوران مبارزات انقلاب مشروطیت باز می گردد. به همین دلیل باید تاکید کرد که، جنبش سندیکایی میهن ما، یکی از قدیمی ترین و با تجربه ترین جنبش ها، در مقایسه با کشورهای منطقه و نیز در سطح قاره آسیاست. این جنبش، از بطن روابط تولیدی کشور پدید آمده و دارای سنت های خاص و ویژگی های منحصر بفرد ملی است، ضمن اینکه عضوی از خانواده جنبش کارگری - سندیکایی قلمداد شده و در چارچوب کلی با آن مشترک است.

جنبش سندیکایی، وسیع ترین و توده ای ترین بخش جنبش کارگری به شمار می آید. این جنبش، به طور عمده، شامل مبارزات اقتصادی - رفاهی کارگران و زحمتکشان می شود، گرچه به هیچ وجه از ضرورت مبارزات سیاسی و طبقاتی نمی گاهد. جنبش سندیکایی، از لحاظ تماس با توده های زحمتکش، وسیع ترین و فراگیرترین سازمان متشکل طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان محسوب می گردد.

سندیکا، مرکز شکل و تجمع مجموعه کارگران، صرف نظر از تفاوت های عقیدتی - سیاسی، مذهبی و مسلکی آنان است. همه کارکنان فکری و یدی زیر پوشش سندیکاها و اتحادیه قرار می گیرند، و به دفاع از حقوق صنفی - اجتماعی و اقتصادی خود می پردازند. شکل های مستقل صنفی - سندیکایی به وسیع ترین توده های زحمتکش تکیه دارد و عام ترین مسایل دفاع از حقوق کارکنان (فکری و یدی) را مطرح و در راه آن مبارزه می کند. به علاوه، جنبش سندیکایی کارگران، اشکال سازمانی ویژه خود را دارد. این جنبش بر تشکیل سندیکاها پایه در کارگاه ها (اعم از کارخانه، اداره و موسسات دولتی و خصوصی)، شکل های حرفه ای و رشته ای و سازمان سراسری سندیکایی استوار است. چنین سازماندهی، همه شاغلان کارمزدی (کارگر، کارمند، کارخانه ای، اداری، آموزشی، خدماتی و ...) را در بر می گیرد. در سندیکاها، تکیه اساسی، بر دمکراسی وسیع توده ها در تصمیم گیری است. در تعریف وظایف و ماهیت سندیکاها باید افزود که میان جنبش سندیکایی و جنبش کارگری که، دومی در فعالیت حزب طبقه کارگر تجسم می یابد، ارتباط ارگانیکی برقرار است. این ارتباط به معنای یکی و همسان بودن جنبش سندیکایی و مبارزات حزب طبقه کارگر نیست. هر یک از این نهادها، استقلال و میدان فعالیت مشخص خود را دارا هستند و نباید یکسان تلقی شوند. جنبش سندیکایی، جنبشی مستقل و متکی به خود است و قوانین

حزب توده ایران، سندیکا و

و آمد به محل سکونت کارگران را دارند؛

• سندیکاها حق دارند با تصمیمات یک جانبه ای که بدون مشورت قبلی با سندیکاها برای تغییر شرایط کار از جانب کارفرما اتخاذ می شود مخالفت کنند؛

• سندیکاها حق دارند به منظور تکمیل، تطبیق و یا بهبود قراردادهای جمعی کشوری در محل کار با کارفرمایان پیمان جمعی منعقد سازند؛

• سندیکاها حق دارند در کلیه مواردی که ادامه کار برای سلامتی و تندرستی زحمتکشان خطرناک باشد، تعطیلی ضروری کار را خواستار شوند؛

• زحمتکشان حق دارند، مطبوعاتی که مایلند دسترسی پیدا کنند، مطبوعات و نشریات سندیکایی و کارگری را پخش کنند و به تبلیغات سندیکایی بپردازند و بدون دخالت مقامات دولتی و کارفرمایان، آموزش سندیکایی دلخواه خود را فرا بگیرند.

آن چه مورد اشاره قرار گرفت، بخش هایی بنیادین از حقوق سندیکایی کارگران و زحمتکشان است، که بر پایه اعلامیه جهانی حقوق سندیکایی، مقاوله نامه های سازمان بین المللی کار و اعلامیه جهانی حقوق بشر، به رسمیت شناخته شده است.

این حقوق تماما توسط رژیم ولایت فقیه نادیده گرفته شده و به طرز خشن پایمال می شود. در حالی که حقوق سندیکایی، به عنوان یکی از عناصر بنیادین و غیر قابل چشم پوشی آزادی ها و حقوق دمکراتیک، در اکثر کشورها، به رسمیت شناخته شده است و تخطی از آن مورد پیگرد قانونی قرار می گیرد. به همین سبب، مبارزه در راه احیاء و ایجاد تشکل های مستقل صنفی و احیاء حقوق سندیکایی، در الویت پیکار طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان ایران قرار دارد.

کارگران ایران! در راه احیاء حقوق سندیکایی خود مبارزه می کنید!

ادامه اعلامیه کمیته مرکزی حزب

داشتن همزمان پرچم پرداخت بموقع دستمزد و مزایا، دفاع از حق زحمتکشان به ایجاد تشکل های مستقل خود، دفاع از حق اعتصاب، مبارزه برای آزادی و حقوق بشر، نقشه توطئه گرانه محافظه کاران برای فاصله ایجاد کردن بین طبقه کارگر و جنبش مدافع توسعه سیاسی را نقش بر آب کنیم. دفاع اصولی زحمتکشان کشور از مطالبات کلیدی جنبش اصلاح طلبی و توسعه سیاسی، در این لحظات حساسی، که نیروهای ارتجاعی کمر به نابودی آن بسته اند، ضمن ایفای نقش تاریخی شما، زمینه تحقق حقوق و خواست های شما را در همه عرصه ها فراهم می کند.

کارگران و زحمتکشان ایران!

حیات جامعه در گرو کار شما، و شاهرگ اقتصادی رژیم در دست شماست. رژیم ولایت فقیه قادر نخواهد بود که در مقابل مبارزه برنامه ریزی شده و متحد شما ایستادگی کند. تجربه انقلاب بهمن ۵۷ را فراموش نکنید.

رژیم شاه با تمام امکانات نظامی، پلیسی و ابزار سرکوبگرانه آن، یارای ایستادگی در مقابل نیروی شما را نداشت. آن نیرویی که رژیم شاه را به زباله دان تاریخ افکند، زاینده اتحاد عمل و مبارزه هدفمند و برنامه ریزی شده شما بود. با پیوند زدن مبارزات کارگران، در مناطق مختلف کشور، و صنایع متفاوت، از طریق تشکیل نهادهای همبستگی صنفی و سندیکایی، با ایجاد تشکل های کارگری مستقل از نهادهای دولتی و کارفرمایان، با تدوین یک برنامه مشخص بر پایه دستیابی به عمده ترین خواست های طبقه کارگر، از قبیل افزایش حقوق، ایمنی کار، پرداخت حقوق های عقب مانده، توقف اخراج ها، باز نشسته شدن قبل از موعد، طرح عادلانه طبقه بندی مشاغل، بهبود شرایط کار، ایجاد تشکل های صنفی مستقل کارگران، مبارزه گسترش باینده خود را به جنبش مدافع توسعه سیاسی گره بزنید.

نباید اجازه داد که ارتجاعیون رژیم «ولایت فقیه»، که از هر لحظه بی در تاریخ بیست سال گذشته ناتوان تر و منزوی تر ند، نفس تازه کنند. جشن اول ماه مه را به وسیع ترین صحنه رزم طبقه کارگر در دفاع از مبارزات آزادی طلبانه مردم ایران تبدیل کنیم. آینده به زحمتکشان تعلق دارد.

گرامی باد اول ماه مه

زنده باد طبقه کارگر ایران!
کمیته مرکزی حزب توده ایران
اردیبهشت ماه ۱۳۷۹

جاودان باد خاطره پیش کسوتان و فعالان جنبش کارگری

■ مرتضی حجازی - رهبر اتحادیه کارگران چاپخانه های تهران - زیر شکنجه در زندان رضا خان شهید شد.

■ محمد تنها - از فعالان سندیکایی نفت جنوب - زیر شکنجه در زندان رضاخان شهید شد.

■ علی امید - چهره درخشان جنبش کارگری، قهرمان زحمتکشان و سمل نفت گران مبارز ایران، زندانی سیاسی در دوران رضا خان و محمد رضا پهلوی.

■ رضا روستا - صدر شورای متحده مرکزی کارگران ایران - زندانی سیاسی در دوران رضاخان.

■ تقی باقری - رهبر کارگران دخانیات و از قهرمانان جنبش کارگری ایران، زندانی و تبعیدی سیاسی در دوران محمد رضا پهلوی.

■ علی عظیم زاده جوادی - از فعالان شورای متحده مرکزی در تبریز - در سال ۱۳۳۹ اعدام شد.

■ هدایت الله معلم - از پیش کسوتان جنبش کارگری - سندیکایی، پایه گذار سندیکای فلز کار مکانیک، و از قهرمانان طبقه کارگر ایران - زندانی سیاسی رژیم شاه و خمینی، در سال ۱۳۶۷ در فاجعه ملی اعدام شد.

■ عزت الله زارع - از پیش کسوتان جنبش کارگری - سندیکایی، زندانی سیاسی رژیم ولایت فقیه، که در سال ۱۳۶۷ در فاجعه ملی اعدام شد.

■ محمد جانجانیان - از فعالان جنبش کارگری - سندیکایی، و از مسئولان سندیکای بافنده سوزنی، در جریان انقلاب بهمن در روز ۲۲ بهمن، در میدان ارک به شهادت رسید.

■ حسن حسین پور تبریزی - از فعالان شورای متحده مرکزی، و از چهره های درخشان جنبش کارگری و سندیکایی - زندانی سیاسی دو رژیم شاه و خمینی، در زیر شکنجه در زندان جمهوری اسلامی به شهادت رسید.

■ علی شناسایی - از فعالان جنبش کارگری - سندیکایی، و از زمره قهرمانان طبقه کارگر ایران، زندانی سیاسی دو رژیم شاه و خمینی، در زیر شکنجه در زندان جمهوری اسلامی به شهادت رسید.

■ حسن جلالی - از فعالان جنبش کارگری - سندیکایی، و از مسئولان انجمن همبستگی شوراها و سندیکاهای کارگری تهران و حومه، قهرمان نامدار طبقه کارگر ایران، زندانی سیاسی دو رژیم شاه و خمینی، که در سال ۱۳۶۷ در فاجعه ملی اعدام شد.

■ مهدی کیهان - پژوهشگر و نویسنده در مسایل جنبش کارگری و سندیکایی ایران در سال ۱۳۶۷ در فاجعه ملی اعدام شد.

■ حسین جودت - نویسنده و صاحب نظر در مسایل جنبش کارگری - سندیکایی از پیش کسوتان جنبش کارگری ایران، وی در سن ۸۰ سالگی در سال ۱۳۶۷ در فاجعه ملی اعدام شد.

■ محمد علی جواهری - از پیش کسوتان نامدار جنبش سندیکایی، عضو رهبری شورای متحده مرکزی، و از نویسندگان صاحب نام عرصه سندیکایی، عضو هیئت تحریریه روزنامه ظفر، ارگان شورای متحده مرکزی، نماینده ارتباطات سندیکاهای ایران در فدراسیون جهانی سندیکاها و مسئول منطقه خاورمیانه، نزدیک و شمال آفریقا در فدراسیون جهانی سندیکاها. سالیان متمادی مهاجر سیاسی بود و تا پایان عمر در تبعید به سر برد.

ادامه سردار ارتجاع و استبداد ...

دانشگاه ها، به جرم قابلیت عالی علمی و تن ندادن به خواست های واپس گرایانه، از دانشگاه ها پاکسازی و یا روانه شکنجه گاهها شدند. در آن سال ها هم هزاران انسان دگراندیش، به جرم دفاع از آزادی به زندان و شکنجه گاه ها کشیده شدند و سرانجام به جوخه های اعدام سپرده شدند. مشابه دانستن اوضاع امروز با سال شصت، نه به دلیل تشابه شرایط اجتماعی، سیاسی و فرهنگی این دوران ها با هم بلکه به دلیل نوع برخورد سرکوبگرانه رژیم استبدادی با خواست آزادی و اصلاحات عمیق در جامعه است. روشن است که ایران بیست سال پس از انقلاب بهمن ۱۳۵۷، با ایران یک سال پس از انقلاب، که در آن خمینی هنوز به عنوان رهبر انقلاب از پایگاه وسیع اجتماعی بهره مند بود، قابل مقایسه نیست. امروز سید علی خامنه ای، به عنوان «ولی فقیه» رژیم، تنها نماینده کلان سرمایه داری تجاری و نیروهای مدافع استبداد و ارتجاع است، و در سه سال گذشته، حرکت های مردمی بارها تمایل خود را بر ضد نظرات ارتجاعی او اعلام کرده اند. در دوم خرداد ۱۳۷۶، او مردم را به رأی دادن به «نامزد اصلح»، یعنی ناطق نوری، فراخواند و در مقابل خواست او، بیش از بیست میلیون ایرانی بر ضد ناطق نوری رأی به صندوق های انتخاباتی ریختند. بیست سال پس از انقلاب بهمن ۱۳۵۷، نقاب مردم فریبانه رفسنجانی و شرکاء گرفته شده است، و رأی بسیار نازل رفسنجانی (آنهم پس از تقلبات وسیع) در تهران، نشانگر پایگاه مردمی مرتجعانی است که تنها با اتکاء به سرنیزه و سرکوب همچنان اهرم های قدرت سیاسی را در دست خود قبضه کرده اند.

اشاره رفسنجانی به سال های شصت در واقع اشاره به حرکت وسیع و سرکوبگرانه بر ضد نیروهای آزادی خواه است. کاری که امروز نیز ارتجاع آن را در برنامه خود قرار داده است. رفسنجانی با اتکاء به سخنان خامنه ای و مقایسه سیاست «امام حسن» با سیاست «امام حسین» به جبهه دوم خرداد و همه نیروهای مردمی هشدار می دهد که، رژیم خود را نه برای مذاکره بلکه برای سرکوب کامل جنبش آماده کرده است. به گفته رفسنجانی: «خدا کند لااقل از صراحت ایشان [خامنه ای] استراتژی حسینی را بفهمند که پایان کار کجروی ها به کجا می رسد ... اکنون برخی نیروهای سابقه دار انقلاب عقد اخوت با خارجی ها دارند و آنچه رادیو بی.بی.سی و اسرائیل می گویند، بیان می کنند» (به نقل از خبرگزاری جمهوری اسلامی، ایرنا، ۹ اردیبهشت ماه ۱۳۷۹). در این سخنان نیز نکته جالب دیگری نهفته است. سرکوب نیروهای سابقه دار انقلاب، از جمله شماری از سرشناس ترین نیروهای مذهبی در رهبری انقلاب نیز امر تازه ای نیست. در سال های نخست انقلاب نخست آیت الله طالقانی، مبارز سرشناس و آزادی خواه را گوشه نشین و سرانجام میراندند، و سپس آیت الله منتظری را به جرم تن ندادن به کشتار هزاران زندانی آزادی خواه، «ساده» و تحت «تاثیر خارجی ها و ضد انقلاب» معرفی کردند و به تبعید در خانه اش محکوم ساختند. امروز نیز طرح مسأله «عقد اخوت» بستن شماری از «نیروهای سابقه دار انقلاب» با نیروهای خارجی، در واقع تهدید آشکار، و در صورت تسلیم نشدن، زمینه سازی برای گوشه نشین کردن کسانی همچون خاتمی و دیگرانی است که

ادامه فعالیت سیاسی شان برای رژیم می تواند خطرناک باشد. رفسنجانی در جای دیگری از سخنان خود، همچون حسین شریعتمداری، شکنجه گر رژیم، که این روزها سردبیر روزنامه کیهان است، ضمن پرونده سازی برای شرکت کنندگان در کنفرانس برلین، شخصیت های برجسته سیاسی، اجتماعی و ادبی شرکت کننده در این کنفرانس را «بازی خورده» و یا «مشکوک» اعلام می کند، و هم صدا با ارگان های سرکوبگر بر دستگیری و «تحقیق» از این افراد مهر تأیید می زند.

«شاه بیت» سخنان رفسنجانی، در حمله مذبحانه او به جنبش کارگری و کمونیستی ایران و خصوصاً حزب توده ایران است. وی به دفعات در سخنان خود اعتراف می کند که کمونیست ها همواره از مخالفان سرسخت سران رژیم ارتجاع بوده اند و امروز نیز باید همچنان مواظب آنها بود. وی در نصیحت هشدار گونه به کارگران مدعی است کمونیست ها از کارگران سوء استفاده کرده اند و امروز هم هنوز هستند نیروهایی که می خواهند از کارگران سوء استفاده کنند. هراس رفسنجانی از نفوذ کمونیست ها، و خصوصاً حزب توده ایران در میان کارگران و زحمتکشان بی دلیل نیست. او خوب می داند که، با وجود سال ها سرکوب خونین، ریشه های حزب ما در بین کارگران همچنان استوار است و در صورت بروز رخه بی کوچک در فضای اختناق جنبش کارگران و زحمتکشان میهن خواهد توانست نقش تاریخی خود را در ایران ایفاء کند. حضور ده ها هزار کارگر خشمگین در تظاهرات و راهپیمایی های با شکوه اول ماه مه، روز جهانی کارگر، در تهران و شهرستان ها حکایت از حضور پرشور جنبش کارگری در مقابله با رژیم «ولایت فقیه» دارد. سخنان رفسنجانی در نماز جمعه این هفته تهران، پس از بستن ۱۶ روزنامه، دستگیری شماری از شرکت کنندگان در کنفرانس برلین، به بهانه اقدام بر ضد امنیت ملی، و آغاز محاکمه سردبیران روزنامه های توقیف شده، حاکی از ادامه روند کودتای خزننده ارتجاع و در رأس آن «ولی فقیه» بر ضد جنبش مردمی است. ما با این ارزیابی جبهه دوم خرداد موافقیم که: «توقیف روزنامه های مشارکت و صبح امروز که در پی زمینه سازی و اعمال فشارهای برخی محافل صورت گرفت، به روشنی نشان می دهد که اعمال نظرهای جناحی و سیاسی و مقابله با روند اصلاحات مورد نظر جبهه دوم خرداد جهت و آهنگ خاصی داشته است.» بر این نظر باید این را نیز افزود که، این بار «ولی فقیه» رژیم مستقیماً وارد عمل شده و خود دستور سرکوب و بستن روزنامه ها را صادر کرده است. این حرکت، جبهه دوم خرداد را با وضع تازه و بغرنجی روبه رو کرده است. دعوت به آرامش در جامعه، در حالی که نیروهای اجتماعی همچون دانشجویان و جوانان و خصوصاً کارگران و زحمتکشان به شکل فزاینده یی از ادامه اوضاع کنونی ناراضی آیند، نمی تواند به تنهایی حلال مشکلات کنونی باشد. مقابله با این توطئه سهمناک و همه جانبه ارتجاع، با اتکاء به نیروهای مردمی و با استفاده از همه اشکال مسالمت آمیز مبارزه و تشدید فشار بر ارتجاع حاکم یگانه راه به شکست کشاندن توطئه های سران رژیم استبدادی است. خامنه ای و رفسنجانی به عنوان سخنگویان ارتجاع به جنبش مردمی و اصلاح طلبانه اعلام جنگ داده اند. نیروهای آزادی خواه و مدافع اصلاحات، تنها با اتحاد عمل و حفظ انسجام خود، می توانند پاسخ شایسته این تهدیدات را با عقیم گذاشتن نقشه های شوم آنان بدهند. حزب توده ایران، همچون گذشته، در این نبرد حساس و سرنوشت ساز خود را بخش جدا ناپذیری از جنبش مردمی می داند.

ادامه تأملی بر مسایل و ...

وحشتناک است و پرده از چهره ضد کارگری رژیم ولایت فقیه بر می افکند. باید تأکید کرد که خواست افزایش دستمزدها با میزان واقعی نرخ تورم کماکان عرصه رویارویی کارگران و زحمتکشان با جمهوری اسلامی خواهد بود.

■ گسترش مبارزه و وظایف نوین:

سالی که سپری شد، سالی سرنوشت ساز برای میهن ما و به همراه آن برای کارگران و زحمتکشان بود. در پایان این سال، ارتجاع شکست خورده در انتخابات ۲۹ بهمن، یورش همه جانبه بی راه، با تصویب طرح ضد کارگری خارج شدن کارگاه های ۵ نفره و کمتر از شمول قانون کار بر ضد جنبش سندیکایی ایران آغاز کرد، که بی شک در سال جاری نیز در اشکال مختلف ادامه خواهد یافت. برای مقابله با ارتجاع، طبقه کارگر باید به سلاح کارآمد خود، وحدت و تشکیلات، مسلح شود. فقط با وحدت و تشکیلات می توان در این پیکار سرنوشت ساز کامیاب و پیروز بیرون آمد. ارتقاء سطح سازمان دهی و همبستگی، با ایجاد و احیاء تشکل های مستقل صنفی - سندیکایی و نیز احیای حقوق سندیکایی امکان پذیر است.

باید تلاش کرد این شعارها را وسیع و پیگیر به میان زحمتکشان برد، بذراگاهی را افشانند و در جهت سازمان دهی کوشید. اینها وظایف نوین و اساسی در مرحله کنونی است. مبارزه با مصوبه ارتجاعی مجلس، مبارزه برای افزایش سطح دستمزدها، مبارزه برای احیاء حقوق سندیکایی، مبارزه با سمت گیری اقتصادی - اجتماعی مشخص شده در برنامه سوم توسعه است که در عصر جهانی شدن، ایران را به زائده بی هویت سرمایه داری بدل می کند. این مبارزه بی ژرف و همه جانبه است که در راستای در هم شکستن رژیم ولایت فقیه و نیل به آزادی اجتماعی قرار دارد.

بررسی رویدادهای جهان

اعتصاب برای حفظ صنایع ملی

کارگران کارخانجات اتومبیل سازی کره جنوبی در اعتراض به تصمیم دولت به فروش کارخانه داتوو، به سرمایه گذاران خارجی، اعتصاب گسترده ای را آغاز کرده اند. متعاقب شروع اعتصاب کارگران کارخانه داتوو، کارگران اتومبیل سازی هیوندای و سان چونگ نیز در همبستگی با آنان دست به اقدام اعتصابی زده اند. اتحادیه های کارگری فعال در صنعت اتومبیل سازی، مصمم بودن خود به ادامه اعتصاب تا روز قبل از انتخابات پارلمانی را اعلام کرده اند.

اتحادیه های کارگری، جهت جلوگیری از این که صنعت اتومبیل سازی تحت کنترل سرمایه خارجی قرار گیرد، ملی شدن کارخانه داتوو را خواستارند. یک مقام رسمی در کارخانه هیوندای، در تصدیق اثر اعتصاب، گفت که هر روز اعتصاب به قیمت تولید نشدن ۶۰۰۰ اتومبیل تمام می شود. یک رهبر اتحادیه های کارگری در کارخانه داتوو در رابطه با اعتصاب، گفت که امنیت اشتغال مسئله اصلی در این اقدام کارگری است. زیرا در صورتی که کنترل صنعت به دست سرمایه خارجی بیفتد امنیت اشتغال در خطر قرار خواهد گرفت. کمیته هماهنگی تجدید ساختار ادعا می کند که، بدلیل این که صنایع کره جنوبی از نظر تکنولوژیک عقب اند چاره ای جز همکاری با کمپانیهای خارجی نیست. در دو سال گذشته، کمپانیهای اتومبیل سازی کره جنوبی هدف کمپانیهای عظیم اتومبیل سازی جهان بوده اند. بانک های دولتی، که اعتبار دهندگان عمده داتوو اند، تصمیم دارند که این کمپانی را تا اوایل شهریور ماه جاری از طریق مناقصه به فروش برسانند. کمپانی های عظیم جنرال موتور و فورد آمریکا علاقه خود به تصاحب داتوو را اعلام کرده اند.

کمونیت های اوکراین رفراندوم را تحریم می کنند

حزب کمونیت اوکراین خواستار تحریم رفراندومی شد که از سوی دولت برای افزایش اختیارات رئیس جمهور این کشور، لئونید کوچمان، سازمان دهی شده است. در رفراندوم، از رای دهندگان سوال خواهد شد که، به پیشنهاداتی برای کاهش تعداد نمایندگان پارلمان، حذف مصونیت پارلمانی آنان و اختیار دادن به رئیس جمهوری برای انحلال پارلمان در صورتی که نمایندگان از تصویب بودجه خود داری کنند، رای دهند.

رفیق پیتروسیمونکو گفت که، طرح دولت به محروم کردن کشور از یک قوه قانونگذاری مستقل خواهد انجامید، و اضافه کرد: «ما مردمی را که به طور جدی در مورد این عواقب فکر می کنند، فرا خوانده ایم تا در این رفراندوم شرکت نکنند.» اگر موضوعات این رفراندوم به اجرا در بیایند،

پارلمان استقلال خود را از دست می دهد. برای این که نتیجه رفراندوم قابل اجرا باشد، باید حداقل ۵۰ درصد صاحبان آرا، در آن شرکت کنند. سیمونکو گفت که، لئونید کوچمان با برگزاری رفراندوم خواستار قدرت نامحدود برای خود و «قبایلی» است که در اطراف او جمع شده اند، و نیز در صدد ایجاد یک پارلمان دست آموز است. درگیری کوچمان و پارلمان، در اساس بر سر تصمیم دولت برای تسریع خصوصی سازی همه جانبه صنایع و اراضی، که از سوی غرب خواسته شده است، می باشد. رفیق سیمونکو، کوششهای کوچمان برای تصویب طرح «لیبرالیزاسیون» و کارزار رسانه های جمعی تحت کنترل دولت را برای ارتقا آن محکوم کرد. او گفت: «همه این ها توسط صندوق پول بین المللی دیکته می شود. چرا روزنامه های اوکراین از رئیس جمهوری آمریکا، بیل کلینتون، نقل می کنند که او از دولت جدید حمایت می کند؟ چرا توافق رسمی با مداخله در مسائل داخلی ما وجود دارد؟»

• طی رای گیری، که در روز یکشنبه، ۱۸ آوریل، در اوکراین، برای انتقال قدرت از مجلس به رئیس جمهوری، صورت گرفت، لئونید کوچمان رئیس جمهوری این کشور به پیروزی رسید. قریب ۷۹ درصد واجدین شرایط در انتخابات شرکت کردند، که بیش از ۸۰ درصد آنها به کوچمان رای دادند. بر اساس این رای گیری، رئیس جمهوری قادر خواهد بود تا با اتخاذ تصمیم های انفرادی، در روند تصویب قوانین تاثیر بگذارد. همچنین رئیس جمهوری قادر خواهد بود تا در صورت «نیاز»، اگر در تصویب یک بودجه توافقی کافی در مجلس وجود نداشته باشد، یا «وقفه بی» در تصویب آن پیش بیاید، مجلس را منحل کند.

حمله هوایی ناتو به عراق

هواپیماهای جنگنده ناتو، در روز ۲۲ فروردین، مواضع دفاعی عراق را بمباران کردند. مرکز فرماندهی نیروهای آمریکا در اروپا مدعی شد که این هواپیماها در هنگام پرواز بر فراز منطقه کردستان عراق زیر رگبار ضد هوایی قرار گرفته بودند. مرکز فرماندهی در اروپا که در اشتوتگارت در آلمان واقع شده است گفت که هواپیماها بدون هیچ صدمه ای به پایگاه های خود برگشتند. عراق محدوده های «پرواز ممنوع» در شمال و جنوب عراق را، که توسط نیروهای هوایی ایالات متحده و انگلستان محافظت می شود، را به رسمیت نمی شناسد. در روز ۱۸ فروردین ماه، مرگ ۱۴ شهروند عراقی در اثر حملات هوایی آمریکا و انگلیس، در منطقه محدوده «پرواز ممنوع» در جنوب عراق، پزیدنت کلینتون را مجبور به توقف بمباران ها کرد. فرانسه سیاست ایالات متحده را مهلک و بی نتیجه خواند و اما دولت انگلستان به حمایت خود از عملیات زیر رهبری ایالات متحده ادامه می دهد. فشار بین المللی برای توقف حملات هوایی و بمباران ها و نیز سیاست تحریم عراق توسط ایالات متحده و متحدانش، وسیعتر شده است.

گرجستان

در روز ۱۹ آوریل، و در راستای «تقویت» و بالا بردن «استاندارد» قدرت نظامی ارتش گرجستان، ژنرال «شرف الدین تل یاسان»، رئیس بخش اقتصادی ارتش ترکیه، و «گئورگی کاتامادز»، وزیر دفاع گرجستان، با یک دیگر ملاقات کردند. طی این ملاقات، قرار شد دولت ترکیه بیش از ۴ میلیون دلار دیگر به ارتش گرجستان کمک نظامی کند. «کاتامادز» در خلال مصاحبه مطبوعاتی خود گفت که، بخش عمده این مبلغ برای باز سازی تیب ۱۱ ارتش گرجستان اختصاص داده خواهد شد، تا بدین وسیله بتوان استانداردهای آن را تا استانداردهای ناتو افزایش داد، و بخشی از آن نیز برای تاسیس دفتر ناتو در گرجستان به کار گرفته خواهد شد. «ادوارد شوارنادزه»، رئیس جمهوری گرجستان، طی چندین مصاحبه، اعلام کرده است که، گرجستان تقاضا خواهد کرد تا قبل از سال ۲۰۰۵ عضو رسمی ناتو شود. قابل تذکر است که تا کنون ارتش ترکیه ۵/۵ میلیون دلار در سال ۱۹۹۸ و ۳/۸ میلیون دلار نیز در سال ۱۹۹۹ به ارتش گرجستان کمک کرده است.

روسیه

پس از اعلام نتایج انتخابات ریاست جمهوری روسیه و «پیروزی» غیر مترقبه «پوتین» در دور نخست انتخابات، زیوگائف، دبیر اول حزب کمونیست روسیه و کاندیدای ریاست جمهوری، در روز ۴ آوریل اعلام کرد که در انتخابات تقلب شده و آراء غیر واقعی به نفع پوتین در صندوق ها ریخته شده است. زیوگائف بیش از ۲۵ منطقه انتخاباتی را نام برد که در آنها تخلف های جدی، مغایر با قانون انتخابات، صورت گرفته و در ۹ منطقه نیز آشکارا تقلب شده است. بنا به گزارش «مسکوسکی کامسامول»، در تاریخ ۵ آوریل، زیوگائف در توضیح تقلب ها گفت که،

به طور مثال در «باشکورتستان» در کنار صندوق های رای، افرادی ایستاده بودند که به مردم می گفتند که به چه کسی رای بدهند. در تاتارستان نیز بیش از ۳ میلیون رای اضافی چاپ شده بود که طبق دستور به نفع «پوتین» در صندوقها ریخته شده بود.

• ولادیمیر پوتین رئیس جمهوری روسیه، در پی جلب سرمایه های خارجی و حمایت کشورهای غربی برای سرمایه گذاری در روسیه، به انگلستان سفر کرد. وی در این سفر از سرمایه داران غربی تمنا کرد تا در «روسیه جدید» سرمایه گذاری کنند. او همچنین قول داد که، مسکو به هر کارممکنی دست خواهد زد تا بتواند اقتصاد روسیه را «مدرنیزه» کند. «پوتین» طی دیدار خود در انگلستان، دیداری با مسئولین اقتصادی این کشور در «اتحادیه صنایع انگلستان» (CBI) داشت که در خلال سخنان خود از جمله گفت: «هدف اصلی ما این است که اقتصاد روسیه را برای جذب سرمایه گذاری های داخلی و خارجی آماده سازیم».

وی همچنین اضافه کرد که او می خواهد «رفرم های اقتصاد بازار آزاد» و اینکه، دولت از دخالت در امور تجاری و بازار به طور جدی خواهد کاست و مالیات ها نیز کاهش خواهد یافت.

واشنگتن

در روز یکشنبه ۱۶ آوریل بیش از بیست هزار نفر در برابر محل برگزاری نشست صندوق بین المللی پول و بانک جهانی در واشنگتن، دست به تظاهرات گسترده ای زدند. این تظاهرات که در اعتراض به سیاست های صندوق بین المللی و بانک جهانی صورت گرفت، با دخالت پلیس به خشونت کشیده کشید. طی حملات مختلف پلیس بیش از ۹۰۰ نفر بازداشت شدند و بسیاری نیز جراحات جدی برداشتند. پلیس با توسل به باتون، گاز اشک آور، راندن موتور سیکلت ها و تهدید به وسیله هلی کوپترها، تلاش کرد تا صفوف تظاهر کنندگان را در نزدیکی کاخ سفید در هم بشکند، اما با مقاومت سختی روبه رو شد که نتیجه آن ضرب و جرح بسیاری و بازداشت تعداد کثیری بود. بیش از ۳۰۰ نفر از بازداشت شدگان هنوز در زندان بسر می برند. تظاهر کنندگان، از چندین ماه پیش، تدارک حرکت اخیر را دیده بودند تا بتوانند اعتراض خود را به سیاست های استعماری و استثمارگری بانک جهانی و صندوق بین المللی پول ابراز کنند. آنها سیاست های بانک جهانی و صندوق بین المللی پول را در جهان سوم مخرب خواندند، سیاستی که تخریب محیط زیست را تسریع می کند و بر فاصله میان ثروتمندان و فقرا می افزاید، سیاستی که کشورهای فقیر را وادار به قبول شرایط می کند که آنها را هرچه بیشتر به دامان فقر می کشاند و با گذشت زمان، نیز بر انبوه بدهی های آنها افزوده می شود، به طوریکه امید می باشد باز پرداخت آن نیست و بودجه سالانه این کشورها به طور عمده صرف باز پرداخت بهره وام های گرفته شده می شود.

هیئت نمایندگی حزب توده ایران، در کنگره حزب کمونیست بریتانیا

کنگره چهارم و پنجم حزب کمونیست بریتانیا، در روزهای ۲۲ تا ۲۴ آوریل، با حضور ۱۰۰ نماینده از ساختارهای حزبی، اعضای کمیته اجرایی حزب، و نیز هیئت های نمایندگی حزب کمونیست و کارگری جهان، در لندن برگزار شد. شرکت نمایندگان احزاب کمونیست و کارگری از کشورهای برزیل، قبرس، اوکراین، استرالیا، هندوستان، بولیوی، شیلی، سودان، پرتغال، یونان، بنگلادش، عراق، کردستان، روسیه، ژاپن، چین، ویتنام، ایرلند و آلمان در کنگره، نشان دهنده حضور فعال حزب کمونیست بریتانیا در مبارزات طبقه کارگر این کشور و در عرصه جهانی، و اهمیتی است که کمونیست های انگلیسی برای همبستگی بین المللی قایل اند. به دعوت رهبری حزب برادر هیئت نمایندگی بی کمیته مرکزی حزب توده ایران نیز در کنگره شرکت کرد.

کنگره، با سخنرانی دبیر کل حزب کمونیست بریتانیا، رفیق رابرت گریفیث، آغاز گردید. رهبر حزب برادر، در سخنان خود ضمن برشماری گوشه هایی از تاریخ ۸۰ ساله حیات و مبارزه کمونیستهای انگلیسی، برخی رویداد های مهم بین المللی را نیز مورد تحلیل قرار داد. او در رابطه با انقلاب اکتبر، گفت: «انقلاب سوسیالیستی اکتبر در روسیه، مشعل راه نمایی را برای کارگران و مردم تحت ستم در سراسر جهان روشن کرد، و این ارتش سرخ شوروی بود، که به بیان وینستون چرچیل «جان و توان ماشین جنگی ارتش نازی را گرفت و بشریت را از یک مصیبت غیر قابل تصور نجات داد.»

رفیق گریفیث، پس از اشاره به پیروزی خلق های کشورهای مستعمره و فروپاشی سلطه استعماری بریتانیا، فرانسه، ژاپن و پرتغال و نیز مبارزه طبقه کارگر و زحمتکشان کشورهای سرمایه داری برای بهبود شرایط زندگی خود، و تسلیم سرمایه داری در رابطه با برخی امتیازات، به بررسی سیاست کشورهای سرمایه داری در دوران پس از جنگ پرداخت. «... تکنیک های جدید استثمار در داخل کشور، و حفظ و حتی گسترش قدرت اقتصادی در مستعمره های پیشین، پایگاه های سود انحصارات سرمایه داری را حفظ کرد. قدرت دولتی، که تحت کنترل سرمایه داری و در خدمت منافع آنان بود، جنگ سرد و مسابقه تسلیحاتی با کشورهای سوسیالیستی را بر پا کرد. امپریالیسم از روشهای بی رحمانه ای برای عقیم کردن پیروزی جنبش های آزادیبخش ملی، سوسیالیستی و کمونیستی استفاده کرد! از دیدناتوری نظامی تا بمباران مداوم، از شیلی و نیکاراگوئه تا کره و اندونزی.» رفیق گریفیث آن گاه به وضعیت اقتصادی جهان و سلطه انحصارات پرداخت و گفت: «از نظر اقتصادی، کمپانی های فراملی کوشش دارند که تحت نام «تجارت آزاد» و جهانی شدن، و به یاری صندوق بین المللی پول و بانک جهانی، سلطه انحصاری خود را بر بیشتر جهان بگسترانند. این کمپانیهای عظیم، که مرکز بیشترشان در کشورهای عمده امپریالیستی قرار دارد، اکنون بیش از یک سوم تولید سرمایه داری و دو سوم تجارت جهان را کنترل می کنند. دو ماه قبل، یکی از این کمپانی ها، به نام بونی لیور، که ظرفیت اقتصادی آن از بسیاری از کشورهای عضو سازمان ملل متحد بیشتر است، به سادگی بیکار شدن ۲۵/۰۰۰ کارگر را در سراسر جهان اعلام کرد. معدودی از بزرگترین کمپانیهای فراملی قادرند که در عرض یک شب ارزش های ملی اندونزی، مکزیک، برزیل و حتی ایتالیا را نابود کنند.» «رفقا، امپریالیسم در حال احتضار است زیرا قادر نیست پایه بی ترین مشکلات بشریت را حل کند. یک میلیارد نفر از جمعیت شش میلیاردی جهان نیمه گرسنه، و یا به معنای واقعی کلمه گرسنه اند، در حالی که ده ها میلیون نفر به دلیل مصرف بیش از حد دچار مرض چاقی اند. ۸۰۰ میلیون نفر از هر گونه خدمات پزشکی محرومند و ۸۴۰ میلیون نفر که دوسوم آن زن اند، بیسوادند... یک پنجم جمعیت جهان صاحب چهار پنجم ثروت جهان است... یک و نیم میلیارد نفر در جهان به آب آشامیدنی سالم دسترسی ندارند. مالاریا دوباره شیوع پیدا کرده است، هر ساله ۵۰۰ میلیون نفر به این بیماری دچار می شوند، که ۲ میلیون نفر آنان می میرند. ولی کمپانیهای داروسازی از توسعه و تولید داروهای لازم سرباز می زنند. دکتر رابرت ریڈلی، از سازمان بهداشت جهانی می گوید: «ما به طور عاجل نیازمند منابع جدید دارویی هستیم. ولی مخارج تولید یک داروی جدید مالاریا در حدود ۳۰۰ تا ۶۰۰ میلیون دلار است. به دلیل فقیر بودن بیشتر کشورهای مالاریا در آن شیوع دارد، تولید چنین داروهایی برای کمپانیها از نظر تجارتي سود آور نیستند. دولت و ارتش های بریتانیا و ایالات متحده چنین مبالغی را در چند هفته صرف تحقیق و توسعه تسلیحاتی می کنند. واقعیت امروزی این است که، علوم و فن آوری در جهت منافع سرمایه انحصاری توسعه می یابند و به کار گرفته می شوند و نه برای نجات بخشیدن بشریت از مرض، گرسنگی، جنگ و فجایع طبیعی». رفیق گریفیث در ادامه سخنان خود افزود: «بریتانیا هر هفته یک میلیون پوند خرج بمباران عراق و باز گرداندن آن به عصر حجر می کند، اما مدعی است که نمی تواند غذا و امکانات کشاورزی و آبیاری به دماغه آفریقا برساند. ناتو ۳۰ میلیارد پوند صرف بمباران و نابودی سفارتخانه ها، ایستگاه های رادیو و تلویزیونی، پل های راه آهن، قطارهای مسافربری و... در صربستان کرد، اما

فقط یک میلیارد پوند به باز سازی آن اختصاص داده است.» در طول سه روز بحث و تبادل نظر، چهارم و پنجمین کنگره حزب کمونیست بریتانیا سه قطعنامه، در رابطه با «تقویت جنبش کارگری، اتحاد چپ و حزب کمونیست»، «در جهت پیروزی در مبارزه برای دموکراسی» و «مقاومت در مقابل امپریالیسم جدید» را مورد بحث و مذاقه قرار داد. اولین قطعنامه با ارائه تحلیلی همه جانبه از مواضع حزب کارگر، تصریح می کند که، سیاست ها و ایدئولوژی حزب کارگر، در حال حاضر، سیاست ها و ایدئولوژی سوسیال دموکراسی و امپریالیسم اند و جهت مبارزه حزب را پیروزی انتزاعی از گرایش چپ حزب کارگر، سوسیالیستها و کمونیستها تعیین می کند. دومین قطعنامه، با اشاره به رهنمود مارکس و انگلس که وظیفه کلیدی طبقه کارگر را «پیروزی در نبرد برای دموکراسی»، به معنی کسب کنترل ساختارهایی که به طبقه کارگر امکان کنترل حیات اقتصادی - اجتماعی جامعه را می دهد، به بررسی اثرات تغییرات عمده ای که در سه سال اخیر، به دلیل سیاست عدم تمرکز قدرت در کشور پیش آمده است، و تعیین موضع در قبال پارلمان های خود گردان در ویلز و اسکاتلند و ایرلند شمالی و همچنین لندن و احتمالاً در ۸ منطقه انگلستان، پرداخت.

قطعنامه سوم، با نگرشی به اوضاع جهان و سیاست های امپریالیسم در دوران «نظم نوین جهانی» و «جهانی شدن»، به ارائه ارزیابی همه جانبه ای از جنگ ناتو بر ضد یوگسلاوی، به مثابه فاز جدیدی از تهاجم امپریالیسم برای تثبیت کنترل خود بر بازارها و منابع جهان، تخصص داشت.

هیئت نمایندگی کمیته مرکزی حزب توده ایران، در طول کنگره، فعالانه در بحث و گفتگو با رفقای انگلیسی، و همچنین هیئت های نمایندگی احزاب برادر حاضر در کنگره شرکت کرد. در ملاقات های دو جانبه، در حاشیه کنگره هیئت نمایندگی حزب با نمایندگان احزاب کمونیست عراق، سودان، پرتغال، کلمبیا و برزیل دیدار کرد و ضمن ارائه گزارش در مورد وضعیت جنبش در میهن ما تبادل نظرهایی را در رابطه با گسترش ارتباطات بین حزبی انجام دادند.

نماینده کمیته مرکزی حزب توده ایران، در سخنرانی مفصل خود خطاب به نمایندگان حاضر در کنگره، ضمن تقدیم شاد باش های کمیته مرکزی حزب و آرزوی آن به توفیق کنگره و گسترش روابط متقابل میان دو حزب، با ارائه ارزیابی، از اوضاع حساس بین المللی به توضیح عواقب سیاست های جنایتکارانه امپریالیسم در سالهای اخیر، در گوشه و کنار جهان، پرداخت. نماینده کمیته مرکزی حزب مان آن گاه به گسترش فقر، بیکاری و تظاهرات های اسفناک نژاد پرستی در کشورهای پیشرفته سرمایه داری پرداخت و در ادامه به توضیح اوضاع حساس در کشورمان، سیاست های رژیم «ولایت فقیه»، مبارزه همه جانبه مردم در دفاع از دموکراسی و توسعه سیاسی و بر ضد ارتجاعیون حاکم، بازاریان کلان سرمایه دار و بورژوازی بوروکراتیک پرداخت. نماینده حزب در ادامه سخنان خود، به توضیح تحلیل حزب پیرامون وظایف نیروهای آزادی خواه و ضرورت طرد رژیم «ولایت فقیه»، به مثابه عمده ترین سد تحولات بنیادین و اصلاح جامعه به سوی آزادی و عدالت اجتماعی پرداخت. سخنرانی نماینده کمیته مرکزی حزب مان، مورد استقبال گرم نمایندگان کنگره و رهبری حزب برادر قرار گرفت.

آدرس ها: لطفاً در مکاتبات خود با آدرس های زیر، از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری

1-Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany
2- B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK

NAMEH MARDOM-NO:582

Central Organ of the Tudeh Party of Iran

<http://www.demon.co.uk/mardom/tudeh.htm>

2 May 2000

شماره فاکس و

تلفن پیام گیر ما

۰۰ - ۴۹ - ۳۰ - ۳۲۴۱۶۲۷

حساب بانکی ما:

IRAN e.V.

790020580

10050000

Berliner Sparkasse

نام

شماره حساب

کد بانک

بانک